

جایگاه تبادل هدایای هنری-مناسکی در قوام‌بخشی و استمرار ارزش‌های اجتماعی- فرهنگی ایرانیان

(مورد مطالعه: تبادل هدایا در آیین‌های سور و سوگ در ایبانه)

سمیه کاظمی^۱ و بهروز روستاخیز^۲

چکیده

یکی از مقولات پُرسامد در اغلب فرهنگ‌های بومی و جوامع محلی ایران، هدیه‌دادن است. فرایند تبادل هدایا در موقعیت‌ها و مناسبت‌های مختلف، علاوه بر اینکه معنی‌پذیری آن موقعیت‌ها و مناسبت‌ها را برای ایرانیان بیشتر کرده، زمینه‌ساز تداوم آنها و به‌طور کلی پایداری عناصر و نمادهای فرهنگ ایرانی در گذر زمان شده است. از این رهگذر، تأمل بر جایگاه هدایا در فرهنگ‌های متنوع ایرانی و «چیز»‌هایی که به‌مثابه هدیه تبادل می‌شوند، دریچه‌ای برای فهم چگونگی قوام‌یافتن جوامع محلی ایران و استمرار ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی آنهاست. از این رو، مقاله حاضر، پس از نگاهی عام به مقوله هدیه در فرهنگ ایرانیان با استفاده از روش کتابخانه‌ای، برپایه یک رویکرد ژرف‌انگر انسان‌شناختی و مبتنی بر پژوهشی مردم‌نگارانه با استفاده از تجربه میدانی و از طریق مشاهده، مشاهده مشارکتی، و مصاحبه، تبادل هدایای هنری-مناسکی و به‌طور مشخص، فرایند تبادل هدایا در آیین‌های سور و سوگ را در یکی از نقاط ایران مرکزی یعنی روستای ایبانه در استان اصفهان، با تأکید بر مناسک مهم عروسی و نخل‌گردانی کندوکاو کرده است. از این‌خلاف، به دنبال پاسخی برای این پرسش‌ها بوده که تبادل هدایا چه جایگاهی در نظام ارزشی جامعه و فرهنگ ایرانی، و به‌طور اخص در جامعه ایبانه دارد و زمینه مناسکی تبادل چه ارتباطی با ویژگی‌های هنری هدایای هنری موردتبادل در دو آیین مذکور دارد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که طرح اشیای هنری موردتبادل، ارزش‌های اعم از باورهای شیعی، اعتنای جدی و معنادار به قدرت‌های باستانی ایرانیان در حکومت و در سنت‌گرایی نشان از تجدید هویت ایرانی دارد. اعتقادی هدیه‌دهندگان و هدیه‌گیرندگان را بازنمایی می‌کند و انتقال آنها در واقع

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی پژوهش هنری، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

s.kazemi@alzahra.ac.ir

۲. استادیار مردم‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران،

ایران (نویسنده مسئول).

b.roustakhiz@atu.ac.ir



انتقال ارزش‌ها و القاکننده امنیت و قدرت به جامعه است. تبادل این اشیا در قالب مناسک، موجب تداوم زنجیره‌های تبار و مسئولیت از طریق تداوم زنجیره هدیه می‌گردد. درحقیقت، تبادل هدیه ارزش‌های فرهنگی را به جریان می‌اندازد و زنده نگه می‌دارد، اما زمانی که تبادل هدیه در بسترهای متمرکز بر ارزش‌های خاص فرهنگی همچون مناسک گذار و آیین‌های مذهبی یا ملی صورت می‌گیرد و بخشی از ساختار این آیین‌ها و مناسک می‌شود، با واردشدن بخش بزرگ‌تری از جامعه در چرخه تبادل نیرویی مضاعف برای بازتولید اجتماع و ارزش‌های آن می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: تبادل هدیه، هدایای هنری-مناسکی، استمرار فرهنگی، فرهنگ مردم ایبانه، نخل گردانی، عروسی.

مقدمه

فرهنگ جوامع انسانی نشان می‌دهد که باوجود تنوعات تمایزبخش در آنها، در فهم اهمیت به‌کارگیری الگوهای فرهنگی انسجام‌بخش اشتراکات بسیاری دارند. این الگوهای فرهنگی در چهارچوب عناصر، فرایندها و نهادهایی ظهور و بروز می‌یابند که جملگی، تعادل و تداوم هر جامعه را ممکن می‌سازند (مالینوفسکی^۱، ۱۹۶۰). عناصر، فرایندها و نهادهای مذکور در کلیت یکپارچه‌ای به‌نام فرهنگ درهم تنیده‌اند (بندیکت^۲، ۱۹۶۱: ۳۳-۳۵) که از لحاظ تاریخی انتقال می‌یابند و اگرچه ممکن است صورت‌های ظاهری آنها تغییر یابد، همواره به‌مثابه سازوکارهای انتقال معانی عمل می‌کنند (گیرتز^۳، ۱۹۷۳). در این بین، «فرایندهای مبادله» از فراگیرترین فرایندها در ساختار جوامع انسانی هستند که در صورت‌های مختلفی تجلی می‌یابند؛ از مبادله کالاها گرفته تا مبادله انسان‌ها که این نوع اخیر به‌ویژه در امری همچون ازدواج نمود بیشتری می‌یابد. اهمیت فرایند مبادله به اندازه‌ای است که برخی از اندیشمندان آن را مبنای شکل‌گیری نظام‌های بنیادینی همچون نظام خانواده و خویشاوندی می‌دانند (لوی استروس^۴، ۱۹۶۹). وجه فرایندی مبادله، سه بُعد اصلی دارد: دادن، گرفتن، و پس‌دادن. اما بسیاری «دهش»‌ها، ظاهراً متضمن ستاندن

1. Malinowski
2. Benedict
3. Geertz
4. Lévi-Strauss

«چیزی» در عوض خود نیستند. آنچه به‌عنوان «هدیه» پیشکش می‌شود، از مواردی است که اعطاکننده آن لزوماً انتظار دریافت شیء یا کالایی را در برابر آن ندارد، اما همان‌طور که مارسل موس^۱، مردم‌شناس شهیر و نویسنده رساله‌ای در باب هدیه، می‌گوید: «هدیه اصلاً به‌معنای مبادله ساده کالا نیست. هدیه متضمن کسب اعتبار و کاربرد خاصی از زمان است؛ سازوکاری که با تمام جنبه‌های زندگی سروکار دارد و گردش کالا و نیز افراد را تضمین می‌کند. از همین رو در ازدواج‌ها، جشن‌ها، مراسم تشریفاتی، خدمت نظامی [...] و نظایر اینها می‌توان مبادله را به چشم دید. حتی آن‌گاه که مبادله منحصرأ درباره انواع خاصی از اشیاء انجام می‌گیرد، باید به یاد داشت که اشیاء [...] صرفاً چیزهای مرده و بی‌جان نیستند. برعکس، اشیاء از جان و روحانیت برخوردارند» (به نقل از لچت^۲، ۱۳۷۷ [۱۹۹۴]: ۵۶). این بدان معناست که در تبادل هدایا، صرفاً با «مبادله چیزها» مواجه نیستیم؛ بلکه آنچه روی می‌دهد، همچنین «مبادله معانی» است. در جریان چنین فرایندی است که جایگاه افراد مورد مذاکره و توافق قرار می‌گیرد.

مطالعه فرایند تبادل هدایا از منظر انسان‌شناختی، در واقع مطالعه سیستم‌های ارزشی جامعه است (دوپویی، ۱۳۸۵: ۹۵-۱۱۵). از آنجاکه مناسک، از جمله مناسک گذار و یا مناسک عبادی-مذهبی، اهمیت زیادی برای جوامع دارند، هنگامی که اشیای هنری به‌عنوان هدایای مناسکی تبادل می‌شوند، نقش مهم‌تری در سیستم‌های ارزشی جامعه ایفا می‌کنند. تبادل هدیه در مناسک جمعی، درحقیقت تبادل ارزش‌ها و تعریف و انتقال موقعیت‌های اجتماعی است و با استفاده از بعد نمادین خود می‌تواند موجب استحکام یا تغییر ساختارهای خویشاوندی، اجتماعی و سیاسی شود (واگنر^۳، ۱۹۸۱: ۶۹؛ شیفلین^۴، ۱۹۸۰: ۵۰۲). علاوه‌براین، می‌تواند به‌عنوان ابزار بیانی نمادینی درک شود که برای دستیابی به اهداف تعریف‌شده اجتماعی و سیاسی، معنا را «مدیریت» می‌کند. نمادهایی که در ساختارهای فرهنگی ریشه دارند با هدیه‌دادن، به‌عنوان شکلی از تبادل اجتماعی، انتقال می‌یابند (همان: ۵۱۵). هدیه می‌تواند مادی یا غیرمادی باشد و طرفین این تبادل ممکن است افراد، گروه‌ها، ارواح و موجودات فرازمینی باشند. درنهایت، باید توجه داشت که زمان

و روش انتقال، نوع هدیه و جایگاه هدیه‌دهنده از دیدگاه هدیه‌گیرنده و اجتماع، بر عمل تبادل تأثیرگذار است (شری، ۱۹۸۳: ۱۶۰).

فرهنگ و جامعه ایرانی نیز هیچ‌گاه از قواعدی که تشریح گردید، مستثنی نبوده است. یکی از عناصر محوری بسیاری از آیین‌ها و مناسک ایرانیان، «هدیه» است؛ تاحدی که برخی از پژوهشگران بر این باورند که اساساً یکی از عوامل اصلی ماندگاری این آیین‌ها و مناسک، تداوم «سنت هدیه‌دادن» بوده است (برای نمونه نک به: اشرفی خیرآبادی، ۱۳۹۳). اما در واقع، تداوم این سنت استمرار بسیاری از ارزش‌های اجتماعی فرهنگی ایرانیان را نیز به دنبال داشته است. از همین رو، با توجه به کمبود پژوهش‌ها درباره این موضوع در ایران، پژوهش حاضر به دنبال آن بوده است که جایگاه تبادل هدایای هنری-مناسکی را در قوام‌بخشی و استمرار ارزش‌های اجتماعی فرهنگی ایرانیان مورد کندوکاو قرار دهد. هدایای هنری-مناسکی ماهیت هنری دارند و در مناسک هدیه می‌شوند. از این رو، علاوه بر نگاهی عام به مقوله هدیه در فرهنگ ایرانیان، همچنین برپایه یک رویکرد ژرفانگر انسان‌شناختی و مبتنی بر پژوهشی مردم‌نگارانه، این پژوهش به دنبال آن است تا درباره تبادل هدایای هنری-مناسکی در فرهنگ یکی از نقاط ایران مرکزی، یعنی روستای ابیانه در شهرستان نطنز استان اصفهان، تأملی داشته باشد. به‌طور مشخص، در پی تأمل بر فرایند تبادل هدایا در منظر تاریخی فرهنگی ایران، بر مناسکی نظر افکنده خواهد شد که زمینه این تبادل را فراهم می‌سازند. در این بین، بر فرایند تبادل هدایا در آیین‌های سور و سوگ با تأکید بر دو منسک مهم عروسی و نخل‌گردانی تمرکز بیشتری خواهد شد. از این‌خلاف، به دنبال پاسخی برای این پرسش‌ها خواهیم بود که تبادل هدایا چه جایگاهی در نظام ارزشی جامعه و فرهنگ ایرانی، و به‌طور اخص در جامعه ابیانه دارد و زمینه مناسکی تبادل چه ارتباطی با ویژگی‌های هنری هدایای مورد تبادل در دو آیین مذکور دارد.

پیشینه پژوهش

با وجود اینکه تبادل هدایا از موضوعاتی است که در پژوهش‌های بسیاری در سطح جامعه علمی جهانی مورد توجه قرار گرفته و ظرفیت بالایی برای مطالعه این موضوع

در بستر جامعه و فرهنگ‌های متنوع ایرانی هم وجود دارد، پژوهش‌های اندکی پیرامون مقولۀ هدیه در ایران در دسترس است. پژوهش‌های خارج از ایران فرایند تبادل هدایا را از ابعاد مختلفی بررسی کرده‌اند؛ از جمله سوار^۱ و همکاران (۲۰۲۴) تبادل هدایا را در آیین عروسی در کرینچی^۲ اندونزی بررسی کرده‌اند. براساس این پژوهش، در آیین مزبور در این منطقه، اقوام و همسایگان هدایایی اعطا می‌کنند که هدیه‌گیرنده باید آن را در مراسم ازدواجی مربوط به هدیه‌دهنده بدون کم‌وکاست بازپس دهد و اگر کم‌وکاستی در هدیه بازپس داده‌شده باشد، هم به صورت کلامی و هم عملی بازخواست می‌شود. این اجبار و بازخواست از نظر نویسندگان با قوانین فقه اسلامی در تضاد است. نقش مذهب در فرایند تبادل هدیه در مقالۀ سیاجیان^۳ (۲۰۲۴) نیز تحلیل شده است. نویسنده در این مقاله به چندگانگی اعتقادی درباره اسطوره آفرینش جهان در جامعۀ سنتی باتک^۴ در جزیره سوماترا در شمال اندونزی اشاره می‌کند که با پارچه‌ای سنتی به نام اولوس^۵ مرتبط است. بنابر این پژوهش پارچه مذکور براساس باورهای بافندگان در جامعه و نیز موقعیت استفاده تنوع یافته و در نتیجه بازنمای باورهای گروه‌های مختلف جامعه است. در این جامعه ماهیت نمادین پارچه مذکور که دارای وجوه اجتماعی و مذهبی متعددی است و در تمامی آیین‌های سنتی این قوم از آن استفاده می‌شود، به نحوی است که صرف‌نظر از تفاوت مذهب و عقاید هدیه‌دهنده و هدیه‌گیرنده، مورد اقبال قرار می‌گیرد و به این ترتیب واسطه‌ای برای ایجاد همبستگی بین مذاهب مختلف در این جامعه است. تر کرس^۶ و همکاران (۲۰۲۳) نیز با تأکید بر امکان تعمیم نتایج پژوهش خود به سایر نقاط جهان، میدان پژوهش خود را اندونزی انتخاب کرده‌اند، اما بر موضوع نحوه برخورد با هدایایی که از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل می‌شوند و می‌توانند عجیب، جذاب و درعین حال بالقوه خطرناک باشند، تمرکز دارند. از نظر نویسندگان یکی از واکنش‌های فراگیر در برابر این هدایا مناسبی کردن آنهاست. از آنجاکه مناسب اغلب وجهی اجدادی یا دینی دارند، باور بر این است که هدایایی که مبادله می‌شوند، ابتدا توسط جهان اجداد، ارواح یا

1. Suar
2. Kerinci
3. Siagian
4. Batak
5. Ulos
6. Ter Keurs

خدایان پذیرفته شده‌اند و در نتیجه مخاطره ناشی از پذیرش آن‌ها کاهش می‌یابد. بُعدی دیگر از هدایا، یعنی کاربرد اقتصادی آنها، در مقاله «کارایی پویای هدیه‌دادن» (گیل و توماس^۱، ۲۰۲۳) بررسی شده است. این مقاله پاسخی به این نقد است که هدایای غیرنقدی که در مناسبت‌هایی چون اعیاد تبادل می‌شوند، ممکن است برای هدیه‌گیرنده قابل استفاده نباشند و در نتیجه، هدر دادن منابع ارزشمند اقتصادی هستند. نویسندگان در مقابل این نقد به کارآمدی پویای اعطای این گونه هدایا اشاره می‌کنند. آنها از این هدایا با عنوان «قربانیان سوخته» یاد می‌کنند که اعطای آنها بین شرکای مبادله اعتماد ایجاد می‌کند و شبکه‌های اجتماعی را گسترش می‌دهد که این دو، لازمه اقتصاد بازار سالم هستند. بار لَو^۲ و همکارانش (۲۰۲۳) نیز در مقاله‌ای دیگر با عنوان «ارزش اقتصادی هدیه؛ نمی‌توانی برای من عشق بخری؟» به این موضوع پرداخته‌اند که در بسیاری مواقع ارزش اقتصادی هدیه نیز اهمیت دارد و همین ارزش، ماهیت ارزشی نمادین را پیدا می‌کند که البته با تمکن مالی هدیه‌دهنده و هدیه‌گیرنده ارتباط دارد. بنابر این پژوهش دیدگاه دریافت‌کننده در میزان تأثیر ارزش اقتصادی هدیه اهمیت بیشتری دارد و لزوماً همیشه با دیدگاه هدیه‌دهنده برابر نیست. استاوس^۳ (۲۰۲۳ الف) نیز در مقاله‌ای به موضوع هدایای نقدی و کارت‌های هدیه پرداخته و از فقدان بعد نمادین در این هدایا سخن گفته است. او معتقد است مناسبت، نوع رابطه بین شرکای مبادله، و وضعیت مالی نسبی شرکای مبادله، در اینکه به تبادل هدایای پولی یا کارت‌های هدیه تمایل وجود داشته باشد یا تبادل این گونه هدایا تابو محسوب شوند، تأثیرگذار است. وی به‌ویژه به این موضوع اشاره کرده که تاریخ‌داربودن مصرف کارت‌های هدیه سبب می‌شود دریافت‌کننده با محدودیت مواجه شود و تمایل کمتری برای دریافت آنها داشته باشد. مقاله مزبور در کتاب روان‌شناسی تبادل هدیه استاوس (۲۰۲۳ ب) منتشر شده که به جنبه‌های مختلفی از تبادل هدیه پرداخته است؛ از جمله: سه بعد شادی، انجام وظیفه و سرخوردگی در تبادل هدیه؛ قانون حاکم بر تبادل هدیه و نظریات کلاسیک مربوط به آن؛ ارزش عاطفی هدیه؛ ارزش رسانه‌ای هدیه و آنچه درباره هدیه‌دهنده و رابطه‌اش با دریافت‌کننده بیان می‌دارد؛ نقش جنسیت در تبادل هدیه؛ ملاحظات تبادل هدیه در دوران

1. Thomas
2. Bar Lev
3. Stauss

جهانی شدن و ایجاد جوامع چندفرهنگی. پژوهشگران دیگری نیز به تبادل هدایا از منظر روان‌شناختی پرداخته‌اند؛ برای مثال، یی بین چیو^۱ و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی کمی در روستایی در چین دریافته‌اند که هدیه تأثیر مثبت و معنی‌داری بر رفاه ذهنی ساکنان این روستا به‌ویژه جوانان و افراد کم‌درآمد دارد.

آنچه گفته شد، تنها بخشی از تنوع موضوعی پژوهش‌های جهانی را نشان می‌دهد که به موضوع هدیه پرداخته‌اند، درحالی‌که در ایران پژوهش‌ها دربارهٔ هدیه هم از نظر تعداد و هم تنوع بسیار محدود هستند. عمدهٔ این پژوهش‌ها از رویکردی تاریخی برخوردارند و آثار قابل‌توجهی را نمی‌توان یافت که به این موضوع از منظر انسان‌شناختی و فرهنگ مردم پرداخته باشند. تمرکز زمانی پژوهش‌های دستهٔ نخست، عمدتاً بر دوره‌های حکومت صفوی و قاجار است، اما مواردی نیز در باب ایران باستان وجود دارد که از آن میان و برای مثال می‌توان به «پژوهشی دربارهٔ اقوام خراج‌گزار و پیشکش‌ها در دورهٔ هخامنشی» اشاره داشت که جابری (۱۳۹۵) به استناد نقوش تخت‌جمشید انجام داده است. او اشاره می‌کند که اساساً بخشی از درآمدهای دولتی در این دوره از طریق هدایایی تأمین می‌گردید که به طرق مختلف و بنابر وسع اشخاص پیشکش می‌شد. به بیان این پژوهشگر «اقوام خراج‌گزار نیز علاوه بر خراج، هدایایی را به دربار می‌فرستادند. هر قوم سعی می‌کرد برای اینکه در دربار بی‌اعتبار نشود، بهترین محصول و فرآوردهٔ خود را به‌عنوان هدیه بفرستد» (همان، ۱۳۹۵: ۳۲). آوزمانی (۱۳۸۸) پژوهشگر تاریخ ایران باستان نیز در بررسی آیین نوروز در عصر ساسانی به اهمیت جایگاه خراج یا پیشکش نوروزی اشاره می‌کند و می‌نویسد که «مقصود از آوردن این هدایا که گفته شد، این بود که شاه و بزرگان دولت را دیده بر آنها افتد تا در سراسر سال شاد و خرم باشند و آن سال برایشان مبارک شود. پس از این مقدمات، بزرگان دولت به خدمت می‌آمدند و هدایایی تقدیم می‌کردند. هدایای نوروزی از طرف شاهان کشورهای دوست و تابعه، شهرداران، اسپهبدان، همسران پادشاه و امرای کشور و گاهی عامهٔ مردم به پادشاه تقدیم می‌شد؛ شاه نیز به هدیه‌دهندگان به نسبت درجات و اهمیت آنان چیزها هدیه می‌کرد» (همان، ۱۳۸۸: ۶۳). براساس پژوهش‌ها، سنت هدیه‌دادن که بیشتر در چهارچوب جشن‌های باستانی نظیر نوروز تجلی می‌یافت، در دوره‌های بعدی یعنی در زمان حکومت‌های اسلامی نیز

تداوم یافت. پژوهش اشرفی خیرآبادی (۱۳۹۳) با عنوان «نقش خراج و هدیه در استمرار جشن‌های ایرانی در قرون نخستین اسلامی» ضمن صحنه‌گذاشتن بر این امر، تأکید می‌کند که این سنت «با روح اسلام نیز هم‌خوانی داشت و منبع درآمد خلفای اموی و عباسی بود و در استمرار و ماندگاری این جشن‌ها در قرون نخستین اسلامی تأثیر داشته است.» پژوهشگر در این اثر کوشیده است تا نشان دهد که هدیه از عوامل اقتصادی پایداری جشن‌هایی چون نوروز و مهرگان در دوران نخستین اسلامی بوده است. پشت‌دار و دهقان شیری (۱۳۹۹: ۱۷۱) نیز در همین راستا در پژوهش خود بر این باورند که «در دوره خلفای اموی و عباسی، این رسم راهی [بوده] است برای تطمیع صاحب‌منصبان و رشوه‌دادن و به مقام رسیدن [...] و جلوگیری از جنگ [...]». در دوره‌های بعدی که ایرانیان برای انجام جشن‌های خود دچار مشکل شده بودند و ازسوی حاکمان وقت ممانعت‌هایی به عمل می‌آمد، رسم هدیه‌دادن باعث نرم‌کردن آنان و گرفتن جواز برگزاری جشن‌ها می‌شد.» نویسندگان همچنین در این پژوهش چپستی و چگونگی اعطای هدایایی همچون «خلعت»، «صله»، «نثار» و... را بررسی کرده‌اند. البته پیش از این، پژوهش مفصلی در باب «خلعت و خلعت‌بخشی در شاهنامه فردوسی و تاریخ بیهقی» توسط قنبری (۱۳۹۴) انجام شده است که نشان از وجود ملاحظات فرهنگی و سیاسی پیچیده‌ای در اعطای آن دارد. همان‌طور که اشاره شد، تمرکز زمانی اغلب پژوهش‌های تاریخی در این باب، بر دوره‌های حکومت صفوی و قاجار است. چنان‌که احمدی و زارعیان (۱۳۹۰) به انجام و انتشار مطالعه‌ای درباره «پیشکش و نقش آن در روابط ایران با کمپانی‌های هند شرقی در دوران صفوی» پرداخته‌اند. آنها در این پژوهش با اشاره به شرایط سیاسی آن زمان، به تمایل متقابل دولت ایران و کمپانی‌های مذکور برای برقراری روابط تجاری اشاره می‌کنند و پس از مرور مجموعه‌ای از اسناد نتیجه می‌گیرند که اعطای «پیشکش و هدایا باعث نفوذ این کمپانی‌ها در ارکان دولت و در نتیجه پیشرفت تجارت آنها با ایران می‌شد و بازار رقابت میان کمپانی‌ها را داغ‌تر می‌کرد» (همان، ۱۳۹۰: ۲۵). کاظمی زهرانی (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی با عنوان «تأثیرات هدایای سلطنتی از صفوی به دربار عثمانی» نشان می‌دهد که در آن دوره، تبادل هدایا از راهبردهای کاهش تنش، ابزارهای میانجی‌گری و در عین حال شیوه‌های اثبات برتری فرهنگی و سیاسی هر حکومت بوده است. براساس نتایج این پژوهش، اشیایی همچون قرآن، کتاب‌های نفیس، جواهرات، فرش و... از مواردی بوده که به‌عنوان هدیه تبادل می‌شده است. اصغریان (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان

«مطالعه و تحلیل هدایای دربار صفوی و نقش دیپلماسی بر آن»، به این موضوع از زاویه‌ای پهن‌دامنه‌تر می‌نگرد. او در این پژوهش تاریخی و توصیفی-تحلیلی، نقش هدایا در روابط دولت صفوی با دولت‌های متعدد شرقی و غربی، به‌ویژه دولت‌های اروپایی، را بررسی نموده و بر اهمیت این نقش صحنه‌گذارده است (همان، ۱۳۹۹: ذ). همین نتایج در پژوهش مشابهی از دهقان (۱۴۰۰) نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

پژوهش‌های انجام‌شده دربارهٔ این موضوع که دورهٔ زمانی حکومت قاجارها بر ایران را در نظر داشته‌اند هم مؤید آن هستند که هدایا و پیشکش‌ها، نقش مهمی در فرهنگ و سیاست این عصر داشته است. یکی از این پژوهش‌ها، اثر آصف اشرف^۱ (۲۰۱۶) استاد ایرانی تبار دانشگاه کمبریج است. او در مقالهٔ «سیاست تبادل هدایا در ایران اوایل قاجار» بر ضرورت توجه به نقش هدایا در سازوکارهای دولت‌سازی در ایران توجه دارد و معتقد است آنچه به‌عنوان هدایا، پیشکش‌ها و نشان‌های افتخارآمیز تبادل می‌شد، ستون فقرات دولت و جامعهٔ عصر قاجار بود. این امر از منظر اشرف، در تداوم ساختارهایی بود که در سلسله‌های سلطنتی پیشین در ایران نیز وجود داشت. اما ویژگی‌های خاص حکومت قاجار و شرایط تاریخی‌ای که در آن قرار داشت، موجب شده بود که اقتصاد سیاسی این عصر بسیار متأثر از یک‌چنین پدیده‌ای باشد. در سال‌هایی قبل از انتشار اثر اشرف، رحمانی و همکاران او (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «درآمدی بر رشوه، پیشکش و انواع آن در عهد قاجار» به‌نحوی همین مسئله را مورد توجه قرار داده و نشان داده‌اند که تبادل هدایا و پیشکش‌ها در عهد قاجار، «انواع و اسامی متعددی پیدا کرده است و حتی در بسیاری از موارد نیز شکل قانونی، عرفی و شرعی به خود گرفته تاجایی که به‌عنوان یکی از منابع مهم و تأثیرگذار مالی و مدخل عمومی کشور شمرده می‌شود» (همان، ۱۳۹۲: ۱۲۸). نتایج پژوهش ابطحی و کریمی (۱۳۹۵) نیز تاحدی با نتایج پژوهش‌های قبلی هم‌سو است و نشان می‌دهد که «بخشی از هزینه‌های دربار ناصری از طریق پیشکش‌ها فراهم می‌شد (همان، ۱۳۹۵: ۳۳). آنها در این پژوهش گونه‌شناسی ارزشمندی از انواع هدایا و پیشکش‌ها در دورهٔ قاجار ارائه داده‌اند. اگرچه مقالهٔ پیش‌رو به موضوع تبادل هدایا از منظر تاریخ اجتماعی ایران توجه دارد، در تمایز با آثار پیشین، همچنین دل‌مشغول تأملی انسان‌شناختی بر دلالت‌های فرهنگی و معنایی آن در بستر زیست‌روزمرهٔ مردم ایران است. از این منظر، اگرچه می‌توان در متن

بسیاری از پژوهش‌های انجام‌شده درباره فرهنگ مردم مطالبی را درباره تبادل هدایا در آیین‌ها و رسوم مختلف ایرانیان ملاحظه نمود، نگارندگان به آثار پژوهشی چندانی که به‌طور مستقل در این باره منتشر شده باشند، دسترسی نیافتند. در کمبود این‌گونه از آثار، مقاله بتریج^۱ (۱۹۸۵) تحت‌عنوان «تبادل هدایا در ایران: جایگاه خود-هویت در تعاملات اجتماعی» از قابل‌تأمل‌ترین آثار است. بتریج سال‌هایی را در شیراز گذرانده و پژوهش میدانی انجام داده است. او از تجربه تعامل خود با ایرانیان بهره گرفته و با تأسی از رویکرد مارسل موس^۲ (۱۹۶۷)، بر وجه اجتماعی هدیه و نه لزوماً شخصی آن در روابط مردم ایران تأکید دارد. به‌زعم بتریج هدایا، مظاهر مادی «تعارف» هستند؛ امری که از ویژگی‌های روابط اجتماعی در ایران است. او در این زمینه با استناد به پژوهش ویلیام بیمن^۳ (۱۹۷۶) در باب استراتژی‌های تعاملی ایرانیان، نتیجه می‌گیرد تبادل هدایا لزوماً از سر محبت و صداقت نیست؛ حتی اگر در ظاهر کاملاً این‌طور به‌نظر برسد. باوجوداین، بتریج به هدایای متعارف‌تری که در مناسبت‌هایی همچون ازدواج، تولد و اعیاد مذهبی تبادل می‌شود نیز اشاره دارد. البته به نظر او، گاه هدیه‌دادن وجهی الزامی پیدا نموده، در برخی موقعیت‌ها، همچون هدیه به مافوق، افراد را دچار اضطراب می‌کند و عدم‌ارائه آن در زمان مقتضی، نقض جدی رویه‌ها تلقی می‌گردد و می‌تواند برای فرد عواقبی به‌دنبال داشته باشد. بتریج البته بین عمل هدیه‌دادن در حلقه‌های صمیمی که امکان بیشتری برای نمایش خودِ شخصی فراهم می‌آورد، با تبادل هدایا در میدان‌های رسمی که «خودبودن» افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، تفاوت می‌گذارد و الگوی رایج تبادل هدایا در ایران را نشان‌دهنده سلسله‌مراتبی از هویت اجتماعی و خودِ شخصی می‌داند. نویسنده این مقاله، اگرچه برای استدلال‌های خود شاهد مثال‌های مختلفی ارائه می‌دهد، در مجموع نمی‌توان اثر او را برآورد پژوهشی روشمند و ناشی از یک کار میدانی یا حتی کتابخانه‌ای متمرکز در این باب قلمداد نمود.

پژوهش تراب (۲۰۱۷) از معدود آثاری است که به‌طور مشخص، به مقوله هدیه در بستری مناسکی فرهنگ ایرانی پرداخته است. او نتایج پژوهش خود را در قالب فصلی از کتاب «زن، دین و هدیه» ویراسته مورنی جوی^۴ و با عنوان «هدایای مشروط برای قدیسین:

1. Anne H. Betteridge
2. Marcel Mauss
3. William O. Beeman
4. Morny Joy

هدیه و کالا به‌مثابه استعاره‌های جنسیتی در مناسک شیعیان در ایران» منتشر کرده است. این مقاله بر پایه کار میدانی تراب در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳، و به‌ویژه بر مبنای حضور او در مراسم / سفره‌های نذری زنان نگاشته شده است. او بر این باور است که برخلاف برجسته‌سازی و تحسین مراسم سوگواری مردانه در ایامی همچون ماه محرم، مراسم زنانه نظیر سفره‌های نذری بسیار بحث‌برانگیزند و اغلب توسط نهادهای رسمی کوچک شمرده می‌شوند. تراب این امر را یادآور ساختارهای تبعیض‌آمیزی می‌داند که دو پنداشت را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد؛ پنداشت اسلام رسمی در مقابل عقاید عامه که این مورد اخیر برای مثال در آیین‌هایی همچون سفره‌های نذری نمود می‌یابد و اگرچه در بین زنان بسیار محبوب‌اند، برای مراکز دانشگاهی شایسته توجه نبوده‌اند. به بیان نویسنده، «نذر هدیه‌ای مشروط است که دقیقاً می‌خواهد اراده خداوند را در برآوردن خواسته‌ها یا حاجات، در قبال نذری که از قبل مشخص شده، مقید کند.» در سفره‌های نذری، طیف وسیعی از چیزها ارائه می‌شود، اما آنچه قابل توجه است اینکه «آن‌ها امکان نمایش پارسایی، شایستگی اجتماعی یا نمایش رقابتی را فراهم می‌کنند. تفاوت‌ها تابعی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که از طریق اعمال مذهبی بیان می‌شود» (تراب، ۲۰۱۷: ۱۴۲-۱۴۳). بنابراین و برای مثال، غذاهایی که به‌عنوان نذری ارائه می‌شوند، با نوع مشابه خود در بیرون از آن بافت بسیار تفاوت می‌یابند و معانی به‌شدت نمادینی به خود می‌گیرند؛ لذا «غذای نذری زنان وسیله‌ای برای مذاکره در رابطه بین خود، جامعه و امر متعالی می‌شود» (همان: ۱۴۳) تراب اگرچه بخشی از مقاله خود را به تأمل بر دلالت‌های برگزاری مراسم عزاداری محرم با محوریت مردان اختصاص داده است، در مجموع نتیجه می‌گیرد که بسترهای مناسکی در عین حال زمینه‌ای را برای به‌چالش کشیدن و بی‌ثبات‌سازی پنداشت‌های جنسیتی ایجاد می‌کنند که در نهایت، امکان ابراز وجود، نوآوری و تغییر تدریجی در سازه‌هایی که اصرار بر تضاد یا جدایی زن و مرد دارند را فراهم می‌سازد. رحمانی و فرحزادی (۱۳۹۴) نیز در پژوهشی با عنوان «سفره‌های نذری در تهران: عاملیت زنانه در جماعت آیینی»، در بسط این ایده‌ای که تراب به آن پرداخته است، کوشیده‌اند. بخشی از یافته‌های میدانی پژوهش پیش‌رو هم مؤید آن است که تبادل هدایای هنری-مناسکی در بسترهای آیینی، زمینه‌ای برای ظهور و بروز عاملیت زنان در اجتماع محلی ایبانه است، اما تمرکز بر این موضوع نبوده، بلکه از تحلیل مردم‌شناختی آیین‌های ازدواج و نخل‌گردانی در روستای ایبانه

این عاملیت استنباط شده است. در مجموع، وجه تمایز پژوهش حاضر از پژوهش‌های نوع دوم که نگاهی مردم‌شناختی دارند، تمرکز بر هدایای آیینی با ماهیت هنری و در میدانی روستایی است. در خلال ارائه یافته‌های پژوهش، بازگشت دوباره‌ای به مجموع نتایج مطالعات ذکر شده خواهیم داشت و حسب مورد از داده‌های آنها بهره برده یا در مقایسه داده‌های خود با آنها خواهیم کوشید.

روش پژوهش

بخش عمده پژوهش کیفی حاضر با اتکا بر روش مردم‌نگاری تفسیری کلیفورد گیتز (۱۹۷۳) در محدوده روستای ابیانه در شهرستان نظنز استان اصفهان انجام یافته است؛ روشی که مبتنی است بر تفسیر و توصیف ضخیم البته با توجه به دسترس‌پذیری و زنده‌بودن بسیاری از سنت‌ها در میدان مورد مطالعه. برای گردآوری داده‌های بخش میدانی و افزایش اعتبار و پایایی داده‌ها از رفت‌وبرگشت‌های متوالی و اقامت در بازه‌های مختلف زمانی در روستای ابیانه و بهره‌گیری از همکاران پژوهشی در سنین و جنسیت‌های مختلف، طی سه سال بهره گرفته شده است. همچنین بدین‌منظور داده‌های میدانی با ترکیبی از یادداشت‌های میدانی تفصیلی و تفسیری، ضبط صدا، تصویربرداری و عکاسی ثبت شدند. فرایند گردآوری داده‌ها مطابق با فرایند روش مردم‌نگاری با مطالعات کتابخانه‌ای پیش از ورود به میدان، سپس انجام پژوهش اکتشافی در میدان، شناسایی مطلعین کلیدی و دروازه‌بان‌ها، ایجاد ارتباط با مردم و اعتمادسازی آغاز شد و بعد به تدریج رفت‌وآمدها و مدت‌زمان اقامت در میدان افزایش یافت. در این اقامت‌ها ضمن مشارکت در تجربه زیسته مردم ابیانه، مشاهده مشارکتی و حسی و عاطفی در آیین‌های مختلف از جمله دفن و بزرگداشت مردگان، عید فطر، و به‌ویژه آیین‌های مختلف محرم و به‌طور خاص، نخل‌پوشانی و نخل‌گردانی صورت گرفت. علاوه بر این، مصاحبه‌های متعدد نیمه‌ساختاریافته و عمیق فردی و گروهی و موقعیتی با افرادی در سنین بین ۲۰ تا ۷۸ ساله با جنسیت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی و طبقاتی مختلف از هر سه محله ابیانه انجام یافت. متناسب با سنین و تخصص افراد، موضوع مصاحبه‌ها شامل این موارد بود: روش آماده‌سازی تجهیزات برای نخل‌پوشانی و دیگر آیین‌های محرم؛ روش و پیشینه نخل‌پوشانی و نخل‌گردانی و دیگر آیین‌های محرم؛ نحوه به‌ارث‌رسیدن مسئولیت‌های بابانخلی، نخل‌برداری و نخل‌نشینی و دیگر

مسئولیت‌های آیینی محرم؛ نحوه به‌ارث‌رسیدن زیورها در روستا؛ تاریخچه و معنای نقوش زیورها و لباس‌ها و دیگر هنرهای ایبانه؛ روش ساخت زیورهای ایبانه؛ تاریخچه و توصیف مراسم مختلف محرم در ایبانه؛ توصیف مشروح مراسم ازدواج در ایبانه؛ توصیف مشروح آیین‌های مربوط به مردگان و... . شایان ذکر است باتوجه‌به اینکه مراسم ازدواج سنتی ایبانه‌ای امروزه منسوخ شده و فقط بخشی از آیین از جمله اعطای بخشی از هدایا باقی مانده است، مشارکت در مراسم سنتی امکان‌پذیر نبود، اما مشارکت در مراسم ازدواج امروزین ایبانه‌ای به‌عنوان عضو خانواده داماد صورت گرفت. باتوجه‌به لزوم انجام دورانی پژوهش‌های مردم‌نگاری، در حین گردآوری داده‌های میدانی از تحلیل هم‌زمان به‌منظور دستیابی به موضوعات ضروری برای بررسی بیشتر در مراجعات بعدی استفاده شد. این بخش از داده‌ها درنهایت با استفاده از روش تحلیل مضمون دسته‌بندی و تحلیل گردید. همچنین بخشی از داده‌های مردم‌نگاری پژوهش به‌ویژه داده‌های مرتبط با مناطق غیر از ایبانه از طریق داده‌های کتابخانه‌ای و تجربیات زیسته پژوهشگران و در برخی موارد مصاحبه به‌دست آمد. در انتها بر داده‌های بخش کتابخانه‌ای نیز تحلیل مضمون صورت گرفت و با نتایج بخش میدانی پژوهش ترکیب شد.

۱. تبادل هدایا در بسترهای آیینی و مناسکی جامعه ایران

چنان‌که ذکر شد، آیین‌ها و مناسک از بسترهای مهم تبادل هدایا، به‌ویژه در ایران هستند؛ طرفه آنکه ایران از مجموعه‌ای از اقوام متنوع با آیین‌ها و مناسک مختلف تشکیل شده است. البته این تنوع مناسکی نافسی قالب‌های مشترک آیینی در کشورمان نیست. اغلب این قالب‌های مشترک در ارتباط با مناسبت‌های ملی، مذهبی و نیز تحت‌تأثیر عوامل طبیعی حاکم بر نواحی مختلف کشور شکل گرفته‌اند. بسیاری از این آیین‌ها متضمن دیدوبازدید هستند که خود گونه‌ای تبادل دیدار است و زمینه تبادل هدایا در قالب پذیرایی از مهمان و بردن سوغات و چشم‌روشنی را فراهم می‌کند. پذیرایی از میهمان در این دیدوبازدیدها همچنین لزوم تهیه اسباب پذیرایی و به‌ویژه شیرینی‌های رنگارنگ و استفاده از ظروف و اسباب ویژه که به زیباترین شکلی تهیه و آراسته می‌شوند را ایجاد می‌کند. از مهم‌ترین این آیین‌های مشترک در ایران، نوروز است. از تبادل سیاسی هدایا در نوروز که مصادیق آن پیش‌تر بیان شد و نیز اعطای هدایای نوروزی به کارکنان مشاغل

که بگذریم، به هدایایی می‌رسیم که تحت‌عنوان عیدی و اغلب ازسوی بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها اعطا می‌شود (ایزدی یزدان‌آبادی و قربانی، ۱۴۰۰: ۱۹۱؛ شریعت‌زاده، ۱۳۷۱: ۴۶۵). اما هدایای آیین‌های بهارانه به عیدی‌های نوروزی ختم نمی‌شود، بلکه با توجه به باور ازبین بردن کدورت‌ها در نوروز، برای مثال در جایی همچون طالقان، شاهد آن هستیم که در روز ۲۵ فروردین که به آن «پنجه پیتک^۱» می‌گویند، پیتک‌پلو می‌پزند و علاوه بر نزدیکان، به‌ویژه پدربزرگ و مادربزرگ، برای کسانی که با آنها کدورتی وجود دارد، می‌فرستند تا با این هدیه کدورت برطرف شود (شایسته‌رخ، ۱۳۹۳: ۱۰۹-۱۱۰). بدین ترتیب، هدیه مذاکره برای بازانسجام‌بخشی اجتماعی را تسهیل می‌کند. نقش هدیه در انسجام‌بخشی اجتماعی در نواحی مختلف ایران به‌گونه‌های متنوعی قابل استنباط است. چنان که در اسفنجان^۲ آذربایجان شرقی نوعی هدیه بهارانه در سی‌وششمین روز بهار اگر مقارن با پنج‌شنبه باشد و اگر پنج‌شنبه نباشد، در اولین پنج‌شنبه پس از آن در قالب قربانی گاوی اعطا می‌شود که هزینه آن را از کمک‌های مردمی تأمین می‌کنند. پس از قربانی گاو با مراسمی خاص و در جایی ویژه، گوشت آن به میزان مساوی بین تمامی اهالی تقسیم می‌شود تا شام همه اهالی کوفته‌ای باشد که با آن گوشت تهیه شده است (میری خسروشاهی و فریدآقائی، ۱۳۹۳). بدین ترتیب تمامی اهالی در فرایند تبادل هدیه از اعطا و دریافت آن مشارکت دارند و علاوه بر آنها دریافت‌کنندگان و اعطاکنندگان ماورایی نیز با دریافت هدیه و افزودن ارزش قدسی و سپس بازگرداندن آن به مردم، در این فرایند مشارکت می‌کنند و سلامت جامعه را تضمین می‌کنند. البته قربانی علاوه بر اعیاد و مناسبت‌های سالانه، به‌ویژه عید قربان در مراحل مختلف زندگی افراد از ولادت تا وفات و نیز در مناسبت‌های مختلف شادانه و سوگوارانه نیز انجام می‌گیرد.

همچنین هدایای بهارانه فقط به آیین‌هایی اختصاص ندارد که در فصل بهار برگزار می‌شود و از پیش از آن در زمستان با آیین‌های نویدبخش بهاری آغاز می‌شود. برای مثال، در اردبیل پیک‌های متعددی وجود داشته است، از جمله تکم‌چی‌ها که با عروسک بز متحرک بر صفحه افقی و اشعار خود پیام‌آور بهارند. هدیه آنها علاوه بر مؤدّه رسیدن بهار، دسته‌ای گل نوروزی و کمی سبزی است که در برابر اعطای آن به خانواده‌ها هدیه‌ای

1. Esfanjan
2. Panje Pitok

دریافت می‌کنند. برخی از بیک‌ها نیز دست‌بافته‌های ابریشمین زیبای زنان که به‌شکل قالب تخم‌مرغ درست شده است، یا آویزهای اسفند را هدیه می‌آورند (بایگان، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۴). پیش از اینها نیز آیین‌های چهارشنبه‌سوری و شب یلدا و انواع آیین‌های مربوط به تقویم مزدیسنی در بسیاری از نقاط برگزار می‌شود که بستری برای تبادل هدایا هستند. اما هدایای بهارانه اختصاص به زندگان ندارد. اموات نیز در روزهای آخر اسفند از هدایای بازماندگان در قالب خیرات بهره‌مند می‌شوند. باور بر این است که در مقابل، بازماندگان نیز از اموات دعای خیر دریافت می‌کنند و این هدیه‌ای است متقابل از سوی آنان. البته علاوه‌بر مقابله‌به‌مثل اموات، در برخی مناطق، دریافت‌کننده خوراکی نیز در ظرف اهداکننده متقابلاً چیزی می‌گذارد؛ برای مثال در آیین چاله‌گرم‌کنان در کهگیلویه و بویراحمد، در کاسهٔ شله‌شیری^۱ خیراتی، در مقابل، چیزی سفیدرنگ به نشانهٔ روشنایی می‌ریزند (شریعتی‌راد و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۴). خیرات و به‌عبارت دیگر، اعطای هدیه به اموات یا تبادل هدایا با آنها در آیین‌های دیگر اعم از آیین‌های سور و سوگ نیز رایج است.

از آیین‌های تقویمی که بگذریم، به آیین‌ها و مناسک گذار همچون، ولادت، ازدواج و مرگ می‌رسیم. به آیین‌ها و مناسک مربوط به ازدواج و مرگ در بخش‌های بعدی خواهیم پرداخت؛ اما بخشی از مناسک مربوط به تولد نوزاد مربوط به دوران بارداری، بخشی، هنگام زایمان، و بخشی پس از آن است. برای مثال، در سروستان در ماه چهارم بارداری، مادر تازه‌عروس باید طی مراسم «لوله‌اندازون» به گردن دخترش لوله بیندازد. این لوله، گردن‌آویزی است به شکل لوله که در آن دعایی برای محافظت از زن باردار قرار می‌دهند (همایونی، ۱۳۷۱: ۴۶۰ و ۴۶۱). این هدیه هم‌زمان هدیه‌ای مادی و قدسی به عروس و فرزندش است و تداوم تبار را تضمین می‌کند. در این منطقه، در ماه هشتم یا اوایل ماه نهم بارداری نیز «رختک‌برون» برگزار می‌شود (همان) که در آن مادر زن باردار لباس نوزاد همراه با گیاهان دارویی برای تسهیل زایمان و مراقبت‌های پس از آن برای دخترش هدیه می‌برد. این آیین، به سیسمونی‌برون که در بسیاری از شهرهای بزرگ نیز رواج دارد، شبیه است. نکتهٔ شایان توجه در این هدایا این است که اگر لوله‌دعا ابزاری برای حفاظت قدسی از مادر باردار بود، در هدایای رختک‌برون، حفاظت این‌جهانی از طریق داروهای گیاهی نیز مدنظر قرار می‌گرفت. از آیین‌های پس از ولادت نوزاد، شستن و

غسل دادن نوزاد است که برای مثال در بلوچستان پس از سه روز از تولد نوزاد برگزار می‌شده است و اقوام و خویشان علاوه بر مشارکت در شستن نوزاد هدایایی که اغلب لباس تزیین‌شده نوزاد بود را برای او می‌برند (ناصری، ۱۳۵۸: ۹۷). پس از ولادت نوزاد همچنین در بسیاری از مناطق ایران مراسم نام‌گذاری برگزار می‌شود و طی این مراسم به نوزاد هدایایی می‌دهند.

این تنها بخشی از آیین‌ها و مناسکی است که در آنها انواع هدیه به انحاء مختلف تبادل می‌شده و می‌شود. آیین‌های بسیاری نیز وجود داشته و دارند که با باورهای قومی و اساطیری یا شیوه‌ی امرار معاش اقوام مختلف ایران در ارتباط بوده و هستند، از جمله آیین‌های مربوط به کشاورزی، باران‌خواهی یا باران‌بس و دام‌پروری که به دلیل محدودیت حجم مقاله به آنها نمی‌پردازیم و بنابر موضوع مقاله در ادامه بر دو بستر آیینی تمرکز می‌کنیم که در آنها تبادل هدایای هنری-مناسکی جایگاه ویژه‌ای دارد.

۱.۱ هدیه در آیین‌ها و مناسک سور؛ عروسی

آیین‌ها و مناسک سور از مهم‌ترین بسترهای ارتباطات اجتماعی و تبادل هدایای گوناگون هستند و مردم خودخواسته یا مبتنی بر الزام ازسوی جامعه تلاش می‌کنند با اهدای هدایای زیبا در برگزاری مراسم و شادی‌آفرینی در جامعه مشارکت کنند. به تعدادی از آیین‌های متعدد سور که بستر تبادل هدایا هستند، پیش از این اشاره کردیم، اما تشریح یکی از مهم‌ترین آنها، یعنی ازدواج با تمرکز بر ازدواج در ایبانه به این بخش موقوف شد. گرچه مبتنی بر شیوه‌ی زیست و باورهای مردم هر منطقه، هدایا ممکن است ماهیت‌های مختلفی داشته باشند، هدایای غالب و مشترک در مناسک ازدواج، زیورهای زنانه، لباس‌های زیبا و تزیین‌شده و نیز ظروف و زیراندازها و وسایل آغاز زندگی مشترک است که در انتخاب آنها، کاربردی بودن و زیبایی هر دو در نظر گرفته می‌شود؛ حتی هدایای معمولی و ظروف اعطای هدیه را نیز با تزییناتی زیبا می‌کنند. برای مثال، در دزفول در هنگام انتقال عروس به خانه داماد جلوی پای عروس مرغی قربانی می‌کنند که مادر عروس آن را از قبل تزیین و آماده کرده است (ظریفی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۰۱). همچنین مواد خوراکی مانند شیرینی و کله‌قند که از هدایای غالب عروسی در بسیاری از مناطق کشورند نیز به انحاء مختلف با پارچه‌ی تور و روبان و پولک و... تزیین می‌شوند. زیبایی هدیه و ظرف اهدای آن گونه‌ای ارزش‌افزایی

برای هدیه و هم‌زمان نشانه ذوق زیبایی‌شناسانه اهداکننده و ارزش و احترام هدیه‌گیرنده نزد اوست. حتی خود این زیبایی را می‌توان هدیه‌ای مضاعف تلقی کرد که سبب شده است علاوه بر ارزش مادی هدایا بر سر این ارزش افزوده نیز رقابت پدید آید.

به‌طور کلی، آیین ازدواج مراحل مختلفی، با آیین‌ها و مناسک مخصوص به هر مرحله، دارد. هر یک از این آیین‌ها و مناسک، بستری برای تبادل هدایا هستند و بعضاً عبور از یک مرحله بدون هدایایی که طبق رسوم الزامی است، امکان‌پذیر نیست. گرچه بنابر بستر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، این آیین‌ها و مناسک تعداد و تنوع متفاوتی می‌یابند، در مجموع می‌توان مراحل مشترک آیین ازدواج در ایران را به‌ترتیب دانست که در ادامه شرح داده می‌شود. پس از انتخاب دختر در خانواده پسر، نوبت به مطرح کردن موضوع با خانواده دختر و به‌عبارتی خواستگاری غیررسمی می‌رسد. بنابر سنت رایج در بسیاری از مناطق ایران، مسئولیت خواستگاری بر عهده یکی از بزرگان و معتمدین بوده است. در ایبانه پاسخ این قاصد با نوعی پذیرایی و هدیه داده می‌شد: جواب مثبت با کله‌قند، آجیل و نقل، و جواب منفی با گذاردن تنها یک استکان چای در مقابل او. بیشتر شیرین‌تر بودن هدایا، یعنی شیرینی کله‌قند و نقل در برابر چای، بر جواب شیرین مثبت دلالت داشته است و البته قاصد شیرین‌ترین آنها یعنی کله‌قند را به خانواده عروس بازمی‌گردانده است. در اغلب مناطق، این مرحله با همراه‌بردن هدیه‌ای برای دختر صورت می‌گرفته یا می‌گیرد؛ برای مثال در آبادی در توجان^۱ هرمرزگان مادر پسر گردن‌بندی ارزان‌قیمت با عنوان مریه^۲ اهدا می‌کند (پیشدادفر، ۱۳۸۷: ۱۵۲). در صورتی که خانواده عروس خواستگاری غیررسمی را بپذیرد، خواستگاری به‌صورت رسمی و با حضور بزرگان خانواده و محل انجام می‌شود که این خواستگاری نیز با اعطای هدایایی به عروس که اغلب پارچه و زیوری از طلا یا نقره است، انجام می‌شود. در ایبانه به این مراسم «بله برونآ» می‌گویند. هدایای هنری بله‌برونا در طبقه ارباب در ایبانه شامل دستبند نقره، النگوی نقره ویژه ایبانه با نام «منگلی»^۳، پارچه، چادرشب و سکه نقره و در طبقه رعیت تنها پارچه و گوشواره نقره بوده است. بنابراین، ارزش و تعدد هدایا گویای

موقعیت طبقاتی عروس و داماد بوده است. این هدایا چه به تفصیلی که در ایبانه بوده، باشد چه هدایای مختصرتری باشد، به معنی نشان کردن دختر برای پسر است و به همین مناسبت در برخی مناطق به این هدیه «نشان» می‌گویند. بنابراین، این هدیه معنایی فراتر از تنها اعطای یک کالا می‌یابد و به‌عنوان میانجی پیوند دو خانواده عمل می‌کند و برای هردو خانواده تعهدآور است.

در ایبانه و بسیاری از مناطق دیگر ایران در همان جلسهٔ بله‌برون یا نشان، میزان مهریه هم مشخص و ثبت می‌شود. مهریه نیز ماهیت هدیه را دارد که وجه الزامی و اجبار در آن بارزتر است و هدیه‌ای است که وجههٔ قانونی دارد و باید ثبت شود. مهریه در برخی از مناطق تنها برعهدهٔ داماد گذاشته نمی‌شود و پرداخت بخشی از آن که معمولاً ملک است، برعهدهٔ پدر داماد است و این بخش به‌طور معمول سریع‌تر از سایر اقسام مهریه باید پرداخت شود. اغلب در میان اقلام مهریه زیورهای طلا و نقره هم می‌نویسند و در بعضی از شهرها همچون اقلید فارس فرش دستباف نیز در زمرهٔ اقلام مهریه بوده است (صابر، ۱۳۹۱: ۲۷۰). در برخی مناطق ایران علاوه‌بر مهریه، شیربها نیز به‌عنوان هدیه‌ای الزامی مشخص و ثبت می‌شود که آن را بیشتر برای خرید جهیزیه صرف می‌کنند. بیشتر هدایای مراسم ازدواج واجد وجه الزام‌آور هستند و کم‌گذاشتن در آنها بی‌احترامی تلقی شده و مورد اعتراض قرار می‌گیرد.

در برخی مناطق در دوران نامزدی، دختر و پسر اجازهٔ ملاقات با یکدیگر را ندارند؛ مگر با حضور فردی از خانواده و در منزل عروس. اما طی این دوره بخشی یا تمامی مخارج دختر برعهدهٔ پسر است. علاوه‌براین به مناسبت‌های مختلف از سوی داماد برای عروس هدایایی برده می‌شود که اغلب پارچه‌های حتی‌المقدور گران‌بها و قطعه‌ای زیور طلا یا نقره است و اگر داماد به سفر رفته باشد، باید برای نامزد خود سوغات نیز تهیه کند. مراسم عقد نیز یکی از مهم‌ترین بسترهای تبادل هدیه است که اغلب در همان مراسم بله‌برون و تعیین مهریه تاریخ برگزاری آن را نیز مشخص می‌کنند. در گذشته در ایبانه، مادر داماد اگر از طبقهٔ ارباب بود، در شب عقد به عروسش زیورهایی از جمله منگلی، انگشتر نقره و پارچه هدیه می‌داد و در طبقهٔ رعیت، عروس هدیه‌ای دریافت نمی‌کرد. در مناطق دیگر ایران نیز در دوران عقد به‌ویژه اگر خانوادهٔ داماد از متمولین باشند، عروس هدایایی دریافت می‌کند و البته در برخی مناطق همچون ایبانه این هدایا یک‌طرفه نیست و داماد و خانواده‌اش نیز در مقابل، از

خانوادهٔ عروس هدیه دریافت می‌کنند. پس از عقد نیز آیین‌های مختلفی برگزار می‌شود که اغلب به‌صورت دیدوبازدید خانوادهٔ داماد و عروس است و این دیدوبازدیدها نیز بستری برای تبادل هدایا فراهم می‌کنند؛ برای مثال طبق گفتهٔ خانم سلطنت شفیع‌ی ایبانه، در این روستا روز پس از عقد در مراسمی موسوم به چای‌خوران مرسوم بوده که داماد برای عروس چای بریزد و جلوی او بگذارد. عروس تا سه بار از نوشیدن چای خودداری می‌کند و هر بار داماد سکه‌ای در زیراستکانی می‌گذاشت. آیین دیگری نیز در ایبانه برگزار می‌شد به‌نام دینا به‌معنی دیدن عروس که یک ماه پس از عقد برگزار می‌شده و بستری برای تبادل هدایا بوده است. سلطنت شفیع‌ی ایبانه در مصاحبه‌ای که با او به‌عنوان یکی از آگاهان محلی داشتیم، این‌گونه آن را شرح می‌دهد:

تمام اقوام فامیل عروس باید می‌بودند و اقوام داماد. اینها همه باید کادو می‌دادند به عروس. باید یک دست لباس داده می‌شد از طرف داماد و گردن‌بند، دست‌بند، گوشواره، انگشتر و اینها را برایش می‌آوردند. به خانوادهٔ داماد هم یک دست لباس به آقای داماد، ساعت و یک دستمال آجیل بهش می‌دادند که ۱۲ کیلو، ۱۵ کیلو بود. یک کیلویش را پول خرد می‌ریختند قاطیش، دو کیلو نبات می‌گذاشتند [...]، این را پر می‌کردند. [...] بعد داماد دو تا سکه باید می‌بست توی گوشهٔ این دستمال، اینها را برای عروس برمی‌گرداندند.

آیین بعد که در بسیاری از مناطق ایران برگزار می‌شود، خانبندان است. حنا اغلب از سوی خانوادهٔ داماد برای عروس برده می‌شود. حنا را می‌توان از این حیث هدیه‌ای هنری دانست که مواد اولیه‌ای برای آراستن است. در ایبانه در شب عروسی، خانوادهٔ داماد لباس محلی ایبانه را که از قطعات متعددی تشکیل شده و با سوزن‌دوزی‌ها و پراک‌دوزی‌های بسیار تزئین شده است، همراه با کله‌قند و زیورهای نقره‌ای که برحسب تمکن مالی خانوادهٔ داماد متغیر بود، روی ظرفی چوبی که زرکوبی شده و خون^۱ نام داشت برای عروس می‌فرستادند. البته مادر عروس پیش از آن لباس عروس دخترش را مهیا می‌کرد و لباس اهدایی خود را به دخترش می‌پوشاند تا بی‌نیازی دخترش را به اثبات برساند و برای او ارزش و اعتبار نزد خانوادهٔ همسرش بیافریند (نظری داشلی‌برون و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۶۰). در جریان گفت‌وگو با مطلعین ایبانه، این موضوع دریافت شد که زیورهای عروس نیز جزئی از لباس او قلمداد می‌شده‌اند و شلوغی و پرکاری زیورها که

1. Xun

بخش عمده‌ای از بدن و صورت عروس را می‌پوشانده، بر این استنباط صحه می‌گذارد. به‌طور کلی، استفاده روزانه زنان ایبانه از زیورهای فلزی به دستبند منگلی و گاه نوعی النگو محدود می‌گردد. سایر زیورهای فلزی، ویژه عروس در شب عروسی است و گاه به‌صورت محدودتر تا یکی دو ماه پس از مراسم عروسی به نشانه تازه‌عروس بودن وی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اکثر زیورهای عروس به‌صورت موروثی از مادر به دختر در روز عروسی هدیه می‌شوند و بقیه آنها از سوی داماد یا خانواده او در مراحل مختلف فرایند ازدواج - از خواستگاری تا عروسی - به وی هدیه داده می‌شوند. در گذشته گاه تعداد و وزن زیورهای عروس به‌حدی بود که عروس توان حمل آنها را نداشت و به همین دلیل بخشی را روی میزی جلوی او می‌چیدند یا گردن‌بندهای سنگین را به دیوار می‌خکوب می‌کردند. امروزه این رسوم تا حد زیادی منسوخ شده است و عروس‌های ایبانه معمولاً تنها در حد گرفتن عکس یادگاری از لباس عروس و زیورها استفاده می‌کنند.

پس از مراسم عروسی، مراسمی ویژه هدیه‌دادن برگزار می‌شده است که امروزه در اغلب نقاط به این مراسم پاتختی می‌گویند. در برخی از مناطق ایران این مناسک هدیه‌دادن تا چند روز ادامه می‌یابد. قدیمی‌های ایبانه به‌قول مرحوم رحمتی ایبانه به آن «چشم‌روشنایی» می‌گویند. در مصاحبه‌ای که با مرحوم رحمتی ایبانه به‌عنوان یکی از آگاهان محلی صورت گرفت، با ذوقی وصف‌ناپذیر از همکاری در برگزاری مراسم عروسی و سپس زیبایی نحوه چیدمان هدایا و عرضه آنها بدین ترتیب سخن گفته است:

عروسی مون هم این‌جور کمک می‌کردند که عروسی مون دوماه بعد از عید بود همیشه. [...] علت داشت. برای اینکه گوسفند دوماه بعد از عید می‌زاد. ماست و کره این صاحب عروسی را گله‌دارها می‌دادند؛ مجانی (با تأکید) این‌جور کمک می‌کردند. [...] اون روز [روز چشم‌روشنایی] هرکسی که توی عروسی دعوت داشت سه کیلو برنج روی [...] مجمعه سر می‌گرفتند و صف می‌کشیدند که بیا ببین! از اینجا تا دم آسیاب وای می‌ستادند. خیلی قشنگ بود. اونی که اقوام یا بستگی داشت با داماد، اون کله‌قند هم می‌ونش می‌گذاشت.

۱-۲ هدیه در آیین‌ها و مناسک سوگ؛ نخل گردانی

در نقطه مقابل آیین‌های سور، آیین‌های سوگ قرار دارد که آنها نیز در ایران بستری برای تبادل هدیه فراهم می‌کنند؛ هرچند می‌توان گفت هدایا در آنها تنوع کمتری نسبت

به آیین‌های سور دارد. از قربانی کردن در مسیر تشییع جنازه که برای مثال در ایل کاکاوند (قلی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۳۷) و نیز در ایبانه رواج دارد، تا سنت‌های یاریگری برای کمک به صاحب عزا در هزینه‌های عزاداری (برای مثال نک به: همان؛ و بهمنی و احمدی اوندی، ۱۴۰۰: ۲۲) که الزام جبران را با خود دارد -چنان که نام هدیه‌آوردندگان را برای جبران، می‌نویسند (مرادخانی و قبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۶)- و نیز از عزادار آوردن معزا با اعطای هدایا و لوازم آرایش و پیرایش (همان: ۱۳۸-۱۳۹).

با وجود مشارکت همگانی و تبادل هدایا در آیین‌های سوگ مذکور، مشارکت و اهدای هدایا در آیین‌های سوگ مذهبی به‌ویژه آیین‌های محرم اوج می‌یابد. در این آیین‌ها انواع نذورات را شاهدیم که به تعبیر تراب (۲۰۱۷) هدیه‌ای مشروط برای مقیدکردن اراده‌ی خداوند هستند. مشروط کردن این هدیه گاه با به‌گروبردن قطعه‌ای از اموال مجلسی که آن را به‌طور خاص متعلق به خداوند می‌دانند، صورت می‌گیرد. برای مثال، برداشتن قاشق یا استکانی از مجلس روضه و سپس بازگرداندن آن ظرف و چندبرابر آن به مجلس، به شرط برآورده شدن حاجت. هدایای موقت را نیز گونه‌ای دیگر از هدایای آیین‌ها و مناسک سوگ محرم می‌توان دانست؛ برای مثال، در روستای مزینان، پارچه‌ها و روسری‌هایی که برای تزئین نخل اهدا می‌شود پس از مراسم، بازپس گرفته می‌شود تا به نیت تبرک در منزل بماند (گفت‌وگو با موسی‌الرضا غربی^۱، ۱۴۰۳). علم در این موارد به‌عنوان نمادی از حضرت ابوالفضل^(ع) قلمداد می‌شود که واسطه‌ای برای برآورده شدن حاجت اهداکننده و به‌عبارت دیگر، هدیه‌ی متقابل از سوی خداوند است. در خلخال این نماد، درخت قشوری است که نذرکننده خود پرورش می‌دهد و وقتی به اندازه مناسب رسید، آن را قطع می‌کنند و پارچه‌های مشکی به آن دخیل می‌بندند (تسلیم چهارمی، ۱۴۰۲: ۱۵۶). انواع متنوع و متعدد دیگری از علم‌ها، شده‌ها و توغ‌ها در فرهنگ ایرانی با پارچه‌ها و روسری‌های نذری تزئین می‌شوند. نمونه‌ی دیگری از این واسطه‌ها گهواره یا به‌قول بوشهری‌ها «مختک آ» است که نمادی از حضرت علی‌اصغر^(ع) شناخته می‌شود و به آن دخیل می‌بندند یا برایش پول نذر می‌کنند. غیر از پول و انواع خوراکی و نوشیدنی که هدیه‌ی ثابت این آیین‌ها و برای تأمین مخارج آیین است، پارچه‌ها و روسری‌ها هدایایی هستند که در اغلب آیین‌های

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری و کارشناس میراث فرهنگی خراسان رضوی.

سوغ به اشیای نمادین آیینی آویخته یا بسته می‌شوند. در ایبانه نیز چند علم وجود دارد که با پارچه‌ها و روسری‌های هدایی تزئین می‌شوند. یکی دیگر از این واسطه‌های مادی نمادین که پارچه‌ها و روسری‌های هدایی در تزئین آن نقش مهمی دارد، نخل است. این تزئین علاوه بر زیباتر شدن نخل، سبب سنگین تر شدن آن و در نتیجه سخت تر شدن حمل نخل می‌شود. گویی باور بر این است که این زجر مناسکی اثرگذاری هدیه اعطاشده و در نتیجه بر آوردن حاجات هدیه‌دهنده از سوی خداوند به‌عنوان هدیه متقابل را تسهیل می‌کند. پارچه، روسری و آینه را در تزئین اغلب نخل‌ها استفاده می‌کنند که در این میان، پارچه و روسری هدیه‌ای است که هر ساله مردم انواعی از آنها را اهدا می‌کنند. علاوه بر این، آلات جنگی همچون سپر، شمشیر، و خنجر، و نیز سرتوغ نیز در تزئین بسیاری از نخل‌ها کاربرد دارد که مردم آنها را هر ساله هدیه نمی‌کنند. وجه تمایز اصلی تزئینات نخل ایبانه و هدایایی که دریافت می‌کند، نسبت به اغلب نخل‌ها زیورهای زنانه است.

نخل بدون تزئیناتش که اغلب زنانه هستند و توسط زنان نذر شده‌اند، اجازه حرکت و کنش آیینی ندارد. نخل که با دریافت زیورها عضوی از زنجیره تباری مادری اهداکنندگان می‌شود، در باور مردم ایبانه کاربردهایی در ایجاد تداوم در تبار نیز دارد. برای مثال بنابر مصاحبه‌هایی که با مطلعین انجام شد، بر اساس یکی از باورهای مردم ایبانه، زن ناباور برای بردار شدن باید در محلی خلوت از زیر نخل عبور کند و پس از آن شوهرش اولین فردی باشد که زن با وی صحبت می‌کند. به‌علاوه بر اساس مشاهدات میدانی برای طلب سلامتی برای کودکان، یکی از والدین، کودک را از یک طرف نخل به کسی که روی نخل نشسته - که نخل‌نشین خوانده می‌شود- می‌دهد و از سوی دیگر می‌گیرد و تا سه مرتبه این حرکت را ادامه می‌دهد. در نهایت با اعطای هدیه‌ای چون پول، پارچه یا کله‌قند به نخل‌نشین تحقق خواسته سلامتی نوزاد تضمین می‌شود.

درگذشتگان تبار نیز از کنش آیینی نخل ایبانه و سایر آیین‌های محرم که به‌عنوان مقدمه و مؤخره نخل‌گردانی برگزار می‌شود و هدایای متناظر با آنها بی‌نصیب نمی‌مانند. قربانی کردن جلوی نخل، برشمردن اسامی تمامی درگذشتگان محل و ذکر فاتحه برای آنها در میدان‌های اصلی روستا، غذای نذری ظهر روز تاسوعا و عاشورا، شام شب یازدهم محرم که برعهده نخل‌نشین است، همه نمونه‌های دیگری از تبادل هدایا در قالب آیین نخل‌گردانی هستند. سایر بسترهای آیینی محرم در روستا که درگذشتگان تبار در آنها از خیرات بهره‌مند

می‌شوند، شامل این آیین‌ها می‌شود: پُرسه^۱ یا مراسم یادگار؛ شَده‌گردانی^۲، جاغ‌جاغازنی^۳، ذاکری^۴، و دستۀ بنی‌اسد؛ طلوع‌خوانی و زنجیرزنی. همچنین به‌طور ویژه در مراسمی به نام فاتحه‌خوانی که در مراسم نخل‌گردانی در روز عاشورای ایبانه برگزار می‌شود، نخل را جلوی در خانهٔ کسانی که تازه‌گذشته‌ای دارند روبه‌قبله بر زمین می‌گذارند و خیراتی برای طلب آمرزش برای روح درگذشته بین مردم توزیع می‌کنند و تمام آیین‌گزاران برای درگذشتگان فاتحه می‌خوانند. خیرات مذکور، اول به‌دست نخل‌نشین داده می‌شود تا به‌واسطهٔ مسئولیت آیینی و ارتباطش با نخل این خیرات متبرک شود. به‌عبارت دیگر، گرچه هدیه به‌دست نخل‌نشین داده می‌شود و آن را نذر نخل می‌کنند، درحقیقت نخل‌نشین و نخل‌گیرندهٔ هدیه نیستند، بلکه مسئولیت آنها میانجیگری در تبادل هدیه بین جامعه و جهان مقدس است.

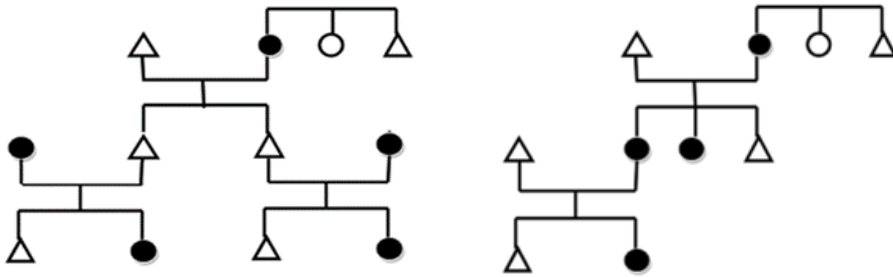
۲. جایگاه تبادل هدایای هنری مناسکی در قوام‌بخشی و استمرار ارزش‌های اجتماعی فرهنگی جامعه

تا بدین‌جا ضمن توصیف آیین‌های سور و سوگ بستر تبادل هدایا، به برخی از دلالت‌ها و کارکردهای تبادل هدایا در قوام‌بخشی و استمرار ارزش‌های اجتماعی فرهنگی جامعه اشاره شد، در ادامه با تمرکز بیشتری به این دلالت‌ها و کارکردها می‌پردازیم.

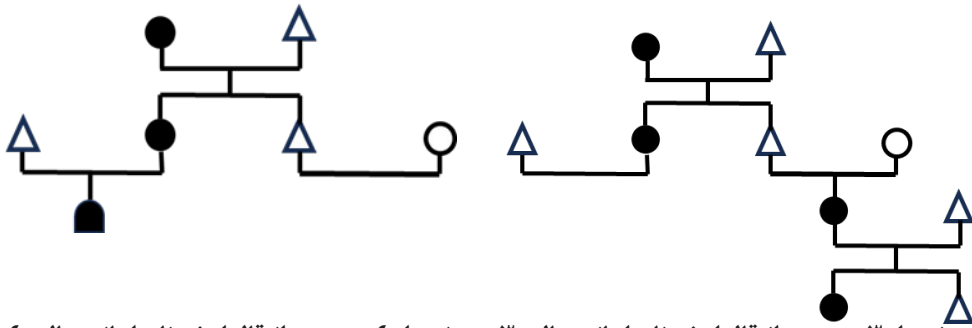
۱.۲ اعطای هدیه، اعطای مسئولیت

در هر دو گروه آیین‌های سور و سوگ به هدایایی اشاره شد که مسئولیت جبران را در پس خود دارند تا حدی که نام اهداکننده را می‌نویسند تا برای او جبران کنند. اما علاوه‌بر این، برخی از هدایا مسئولیت‌های دیگری را نیز همراه با خود منتقل می‌کنند. این موضوع دربارهٔ زیورهای که مادران ایبانه‌ای در شب عروسی به دختران خود هدیه می‌دهند، صدق می‌کند. سیستم انتقال زیورهای زنان در ایبانه بدین‌صورت است که اگر مادری بیش از یک دختر داشته باشد، باید یک سری کامل از زیورها را برای هریک از آنها فراهم کند (نمودار ۱)^۵. مادری که فقط پسر دارد، زیورها را بین عروس‌های خود

تقسیم می‌کند و این عروس‌ها طبق رسوم آنها را به فرزندان مؤنث خود اعطا می‌کنند. بدین ترتیب، از طریق نوادگان مؤنث مادر به نسل‌های بعد انتقال می‌یابند (نمودار ۲). اگر زنی فرزندی نداشته باشد، زیورها اغلب به دختر برادر منتقل می‌گردد (نمودار ۳) و یا این زن زیورهای خود را به‌عنوان نذر به نخل هدیه می‌کند (نمودار ۴). شایان ذکر است پسرچه‌هایی که تنها فرزند خانواده‌شان هستند، نوعی از منگلی را استفاده می‌کنند که آن هم از طریق مادر به آنها انتقال می‌یابد.




نمودار ۱. سیستم انتقال ارث زنان ایبانه، حالت ۱. نمودار ۲. سیستم انتقال ارث زنان ایبانه، حالت ۲.



نمودار ۳. سیستم انتقال ارث زنان ایبانه، حالت ۳. نمودار ۴. سیستم انتقال ارث زنان ایبانه، حالت ۴.

براساس مصاحبه‌هایی که با بانوان ایبانه‌ای انجام دادیم و مشاهدات میدانی، با وجود نقوش زیبای زیورها، زنان ایبانه روزانه از اکثر این زیورها استفاده نمی‌کنند. اما استفاده از زیورهای طلا و نقره بیشتر و ظریف‌تر و نیز لباس‌های قدیمی و پرتزئین‌تر از افتخارات

۱. در نمودار ۴ نشانه  به‌جای نخل ترسیم شده است.

عروس ایبانه است. بیشتر زیورهای که با سیستم هدیه‌دادن منتقل می‌شوند، به دلیل ارزش مادی و معنوی‌شان و -بنابر این اعتقاد مردم ایبانه که «اگر از آنچه داری دیگری مطلع شود، دیگر آن را نخواهی داشت» (در گفت‌وگو با سلطنت شفیعی ایبانه)- برای حفاظت از زیورها، تنها در روز عروسی در معرض دید قرار می‌گیرند و تا زمان انتقال به نسل بعد در محلی مخفی می‌شوند. بنابراین مالکیت این زیورها، تداوم سیستم انتقال و هدیه آنها و نمایش مناسکی‌شان، بیش از نمایش و استفاده تزئینی روزمره آنها اهمیت دارد.

در این فرایند انتقال هدیه، اجباری خودخواسته و اجباری اجتماعی وجود دارد. براساس مصاحبه‌های انجام‌شده با بانوان ایبانه‌ای، از ویژگی‌ها و وظایف یک مادر خوب هدیه زیورها به صورت تمام و کامل به دختر یا دخترانش است. مادری که زیورهای خویش را به دخترش منتقل نکند، مادری کاردان و امانت‌دار محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر زیادبودن زیورها یا به بیان خانم شفیعی ایبانه «شلوغی کار» برای زن ایبانه‌ای موجب افتخار، سربلندی و افزایش ارزش اجتماعی است. بنابراین، تمایل برای نمایش ارزش خود و اجداد مؤنث مادری، تمایل به ارزشمندتر نشان‌دادن دختر و فرار از انتقاد اجتماعی، مادر را به پایبندی به تداوم زنجیره هدیه تشویق می‌کند. اعطای این هدیه به دختر به معنی اعطای مسئولیت حفاظت از زیورها و در نتیجه حفاظت از یاد و ارزشمندی تبار و اجداد مؤنث مادری و تداوم زنجیره هدیه است. زمانی که این زیورها به نخل هدیه می‌شوند، مسئولیت حفاظت از آنها به بابای نخل و تبار او که زنجیره مسئولیت بابانخلی را برعهده دارند، سپرده می‌شود؛ گرچه هدیه‌گیرنده نه نخل و نه بابانخل بلکه صاحب‌نخل یعنی امام‌حسین^(ع) و به واسطه او در اصل، خداوند است. البته در نهایت هم امام‌حسین^(ع) و در واقع خداوند را حافظ این هدایایی می‌دانند که به واسطه تغییر مالکیت از زنان ایبانه‌ای به این موجودات قدسی، خود اکنون ماهیتی مقدس یافته‌اند که بر ارزش مادی آنها افزوده است.

۲.۲ اعطای هدیه، اعطای ارزش

در ایبانه اعطای مسئولیت با اعطای زیورها هم برای مادر و هم دخترش ارزش‌آفرین است. برای مادر از این بابت ارزش‌آفرین است که توانسته مسئولیت خود در قبال محافظت از میراث تبار مادری را به خوبی به انجام برساند و برای دختر از این بابت اهمیت دارد که به مرحله پذیرفتن این مسئولیت رسیده است. علاوه بر زیورهای موروثی، مجموعه زیورهای

عروس ایبانه بخشی از جهیزیهٔ او به‌شمار می‌آید و اعتبار خانوادگی و نیز ارزش او را نزد داماد و خانوادهٔ وی نشان می‌دهد. سنت انتقال زیورهای موروثی هم از بابت اینکه آنها عتیقه می‌شوند و هم از این بابت که ارزش تبار را در خود دارند، برای زیورها ارزش آفرینی می‌کند. اما علاوه بر این، ارزش زیورهای هدیه‌شده به ظرافت، استاد سازنده، جنس فلز و سنگ‌های قیمتی مورد استفاده در آنها و نیز کمیت زیورها مرتبط است.

علاوه بر موارد بالا، نقوش استفاده‌شده در زیورها نیز برای این هدایا ارزش آفرین است. نقوش اغلب زیورهای فلزی ایبانه نقوش گیاهی - به‌ویژه نقوش گیاهی مدور که در عین حال حالتی از درخشش را نشان می‌دهند - نقوش درخشان و لوزی‌هایی هستند که داخل آنها نقشی درخشان جای گرفته است. نقش لوزی، یکی از نقوش غالب زیورهاست که یا به‌صورت حک‌شده روی زیورهای فلزی و یا در قالب شکل کلی زیور به نمایش درمی‌آید. در اکثر موارد در مرکز این لوزی‌ها یا نقشی درخشان حکاکی شده یا نگین یا آینه‌ای جایگزین این نقش درخشان شده است. براساس اعتقادات عمیق مردم ایبانه به تأثیرگذاری نور و انرژی داخل چشم، می‌توان این لوزی‌هایی را که با نقشی درخشان ترکیب شده‌اند، چشم‌هایی درخشان دانست. به‌عنوان نمونه‌ای از این باورها، مردم ایبانه دلیل بسیاری از بیماری‌های ناشناخته را چشم‌زخم می‌دانند و برای رفع یا دفع چشم‌زخم آداب مفصلی دارند که برخی از آنها مانند استفاده از آویزهای اسفند به شکل لوزی، سیاه‌کردن پیشانی نوزاد و شکستن تخم‌مرغ در سایر مناطق ایران نیز رایج است. آنها زیورهای زیادی نیز برای دفع چشم‌زخم دارند که به‌خصوص وجود آنها را در میان زیورهای عروس لازم می‌دانند. یکی از شواهدی که می‌تواند بر معنای نقش لوزی همراه با دایرهٔ درخشان دلالت کند، پارچه‌هایی است از لباس فردی که معتقدند چشم خورده و سوراخ‌هایی به شکل لوزی در آنها ایجاد کرده‌اند و بر سردر خانهٔ او همراه با گلوله‌هایی به رشته کشیده‌شده نصب کرده‌اند تا چشم‌زخم از او برطرف شود (تصویر ۱) (همچنین نک به: کاظمی، ۱۳۹۱ الف: ۱۳۲). پس نقش لوزی با دایره‌ای درخشان در مرکز را می‌توان چشم‌هایی دانست که این بار مقدس هستند و تأثیری معکوس چشم بد دارند. در ایبانه هدیه‌دادن به عروس و نیز زنی که تازه مادر شده است را - مشابه با بسیاری از مناطق دیگر ایران - «چشم روشنایی» می‌گویند. هم عروسی و هم تولد نوزاد با تداوم تبار ارتباط می‌یابد. پس می‌توان گفت هدیه‌ای که اعطا می‌شود برای

همراهی و نیروبخشی به چشم روشنی است که تبار را تداوم می‌بخشد یا نمادی از اینکه با تداوم تبار، چشم هدیه‌گیرنده روشن شده است؛ بدین معنی که با موجودی ماورایی و درخشان چشم ارتباط نزدیک‌تری یافته است.

تصویر ۰۱. پارچه‌ای برای رفع چشم‌زخم.



علاوه‌براین، استفاده از نقش چشم‌های درخشان در زیورها و نیز لباس‌هایی که به عروس هدیه می‌شوند، ارزش امنیتی و نیز آرامش‌بخشی برای عروس دارد و می‌تواند احساس امنیتی در برابر چشم‌های بد ایجاد کند. بدین ترتیب، هدیه‌کردن این زیورها به عروس درعین حال هدیه‌کردن احساس امنیت و سلامتی به اوست. از آنجاکه عروس به‌عنوان ضامن تداوم تبار شناخته می‌شود، هدیه‌کردن سلامتی و امنیت به او، هدیه‌کردن سلامتی و امنیت به تبار و در نتیجه کل جامعه است. بنابراین، حفظ زنجیره هدیه توسط مادر، حفظ زنجیره تبار و ضامن بقای جامعه است. نمایش زیورهای نشان‌دهنده مادر و تبار مادری بر پیکر عروس، پاسخ او به هدیه‌ای است که از مادر و اجداد مؤنث مادری خود دریافت کرده است. می‌توان گفت عروس و اجداد مؤنث مادری‌اش با شرکت در فرایند تبادل هدیه به‌صورت دوجانبه از یکدیگر و در نتیجه از تبار حفاظت می‌کنند. بدین نحو چرخه مقابله‌به‌مثل با هدف حفاظت از تبار در زنجیره هدیه جای می‌گیرد.

نقش چهره زنی که گرد آن نقشی درخشان حک شده است نیز در بین زیورهای زنان ایبانه و زیورهایی که به نخل هدیه شده‌اند، دیده می‌شود (تصویر ۲). زن بودن و درخشان بودن هردو ارزش‌هایی هستند که وقتی به عروس ایبانه‌ای هدیه شوند و بر پیکر او قرار گیرند، هم ارزش وی برای تداوم نسل و تبار را یادآوری می‌کنند و هم از او محافظت می‌کنند و به او امنیت می‌بخشند. نقوش دایره‌شکل درخشان و درختانی که

درون آنها شیء نورانی قرار دارد - که گاهی نگین‌هایی جایگزین این نورها شده است - در میان زیورها مکرر دیده می‌شود. در روایات شفاهی ایبانه، که در جریان مصاحبه با مردم روستا به دست آمد، به کرات به دیده شدن نور در درختان چنار مقدس، نورباران شدن مکان‌های مقدس و آموختن علم از نورهای مقدس توسط افراد مختلف اشاره شده است و باتوجه به برگزاری مراسم طلوع‌خوانی پیش از طلوع روز عاشورا^۱ - که در آن طی خواندن شعری همه اهالی را از آمدن طلوع روز عزای امام حسین (ع) آگاه می‌کنند - و بزرگداشت درگذشتگان، پیش از طلوع خورشید و رو به مشرق در روز عید فطر، می‌توان به اهمیت نور در میان مردم ایبانه پی برد (نک به: کاظمی ب، ۱۳۹۱: ۱۶۱، ۸۱، ۵۶). به دلیل همین ارزشمندی نور است که آنچه نقشی از نور دارد در میان هدایای هر دو مناسک ازدواج و نخل‌گردانی وجود دارد. می‌توان گفت اشیای هدیه شده‌ای که منقوش به اعتقادات مردمی هستند، این اعتقادات را هدیه می‌کنند. بنابراین، نه تنها عمل هدیه دادن بلکه نقش هدایا نیز به منظور تکرار، یادآوری و تداوم این اعتقادات به کار می‌روند.

تصویر ۲. نقش چهره زن درخشان بر آویزی بر نخل ایبانه.



نتیجه‌گیری

در این پژوهش ضمن بررسی اجمالی فرایند تبادل هدیه در جامعه ایران با تمرکز بر تبادل هدیه در دو آیین ازدواج به‌مثابه یکی از آیین‌های سور و مناسک گذار، و نخل‌گردانی به‌عنوان یکی از آیین‌های سوگ و مناسک مذهبی در ایبانه تلاش کردیم به جایگاه ارزشی تبادل هدایا در فرهنگ ایران به‌ویژه در روستای ایبانه دست یابیم. در امتداد نظریات اندیشمندان درباره تبادل هدیه، این پژوهش نیز نشان داد هدیه‌ای که برگزیده می‌شود، نه تنها بازنمود سلیقه و هویت فردی و جمعی هدیه‌دهنده و/ یا هدیه‌گیرنده است، بازنمود ارزش‌های فرهنگی و هویت جامعه‌ای است که هدیه‌دهنده و هدیه‌گیرنده به آن تعلق دارند. بنابراین، تبادل هدیه به‌مثابه یک فرایند فرهنگی خواه توسط فرد انجام شود یا جامعه، ارزش‌های فرهنگی را به جریان می‌اندازد و زنده نگه می‌دارد. زمانی که تبادل هدیه در بسترهای متمرکز بر ارزش‌های خاص فرهنگی همچون مناسک گذار و آیین‌های مذهبی یا ملی صورت گیرد و بخشی از ساختار این آیین‌ها و مناسک گردد، با وارد شدن بخش بزرگ‌تری از جامعه در چرخه تبادل نیرویی مضاعف برای بازتولید اجتماع و ارزش‌های آن می‌یابد. ازسوی دیگر، هدایای مناسکی در سلسله‌مراتبی که ویلیام یمن (۱۹۷۶) برای تبادل هدایا در ایران مطرح کرده است، واسطه‌ای برای تجمیع هویت‌های فردی به‌منظور شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی می‌شوند. به‌عبارت دیگر، بدین‌صورت هویت‌های فردی به‌واسطه هدیه، فرصت اجتماعی شدن پیدا می‌کنند.

نتیجه حاصل از بررسی تبادل هدایا در دو آیین ازدواج و نخل‌گردانی در ایبانه نشان می‌دهد که در این روستا گرچه مناسک تابع شکل هدیه نیست، شکل و ماهیت تاریخی-تباری هدیه موجب تقویت ارزش‌های مناسکی می‌گردد. در نظام مادرتبار تبادل هدیه زیورها از مادر به دختر در ایبانه حق مالکیت بیش از حق استفاده منتقل می‌شود - هرچند این مالکیت نیز مالکیتی دائمی نیست. نخل هم بیش از حق استفاده، حق مالکیت دارد. بنابراین در هر دو مورد، مسئولیت هدیه می‌شود. می‌توان گفت در این نظام شیء هنری به‌مثابه حکمی است که مسئولیت تداوم زنجیره هدیه، تداوم و حفاظت از تبار را به دریافت‌کننده تنفیذ می‌کند. به‌عبارت دیگر، با هدیه‌دادن این زیورها موقعیت اجتماعی هدیه‌دهنده و هدیه‌گیرنده هردو تغییر می‌کند. به‌عبارت بهتر، بنا بر گفته واگنر (۱۹۸۱: ۶۹) موقعیت اجتماعی مادر با هدیه‌دادن زیورها به دخترش انتقال می‌یابد.

همچنین در تکمیل گفتهٔ موس (به نقل از لچت^۱، ۱۳۷۷ [۱۹۹۴])، در جریان این تبادل که برای رسیدن به موقعیت زمانی آن طی بازه‌ای از زمان لازم است، جایگاه مادر و دختر مورد مذاکره و توافق قرار می‌گیرد تا سرانجام با تبادل مسئولیت‌ها هم‌زمان دختر هم هویت اجتماعی جدید همسر بودن و عروس خانواده بودن را کسب کند و هم جایگاه اجتماعی حافظ امانتی موروثی که هم ارزش فرهنگی مادی و هم معنوی و اجتماعی دارد. چنان‌که مادر، واسطه و مسئول انتقال هدیه از نسل قبل خود به نسل بعد است، امام‌حسین^(ع) به‌عنوان صاحب نخل، با واسطهٔ نخل‌نشین، مسئول انتقال هدیه از نسل فعلی به خداوند حافظ نسل‌هاست و درمقابل، از او سلامتی و پایداری جامعه را هدیه می‌گیرد. درحقیقت، جامعه درنهایت به خود هدیه داده است ولی با اجرایی هنری-مناسکی و با واسطه قراردادادن موجودی مقدس به‌عنوان دریافت‌کننده، به هدیه‌ای که به خود می‌دهد، تقدس می‌بخشد و بر ارزش آن می‌افزاید. بدین‌گونه عواملی که هریک به‌تنهایی می‌توانند موجب خلق یا بازتولید ارزش در یک جامعه شوند - تولید و ارائهٔ شیء هنری، سیستم تبادل، و مناسک - در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا جامعه متحد، بازتولید و حفاظت شود.

در نخل‌گردانی برای این بازتولید اجتماعی، مشارکت هر دو جنسیت ضروری است. هرچند باتوجه‌به ماهیت مردانهٔ بخشی از تزئینات نخل، اصطلاحات مردانه‌ای که برای تزئین برخی قسمت‌های آن به‌کار می‌رود و نیز کارکرد معنایی کنونی آن - تابوت امام‌حسین^(ع) - نمی‌توان نخل را کاملاً دارای جنسیت مؤنث دانست ولی باتوجه‌به اینکه غالب تزئینات زنانه هستند و توسط زنان هدیه می‌شوند (نک به: کاظمی الف، ۱۳۹۱: ۱۳۲-۱۳۴) می‌توان گفت در تزئین نخل تأکید بر ماهیت زنانه است. زمانی که زنان نابارور زیورهای خود را به این شبه‌عروس هدیه می‌دهند، آن را جایگزین دختر نداشتهٔ خویش در زنجیرهٔ هدیه می‌کنند و بدین نحو تداوم تبار خود را به عروسی جمعی می‌سپارند. حلقهٔ بعد این زنجیره، نخل سال آینده است. بدین‌گونه در نخل‌گردانی نیز نقش‌های اجتماعی زن از طریق هدایای هنری او به نمایش درمی‌آید. در باور کنونی ایبانه نخل با وجود تزئینات شبه‌عروس نه عروس که در معنایی متضاد و مرتبط با مرگ، تابوت امام‌حسین^(ع) تلقی می‌گردد و هرآنچه به نخل مربوط باشد متعلق به ایشان دانسته

1. Lechte

می‌شود. بنابراین، نخل و هدایایی که به آن داده می‌شود، هم ارزش معنایی دو مناسک گذار - ازدواج و مرگ- و هم ارزش تعلق به انسانی مقدس را در خود جای می‌دهند. اعتقاداتی که درباره نخل وجود دارد، نشان می‌دهد نخلی که نمایش‌دهنده ارزش‌هاست، واسطه‌ای برای حفظ اعضای زنده تبار و خوشنودی و سعادت اعضای درگذشته تبار نیز هست. برخی از این اعتقادات که بر نقش بارورسازی نخل تأکید دارند می‌توانند تأکیدی بر غلبه ماهیت زنانه نخل نیز باشند. تبار، ارزش غالب در ایبانه است (نک به: کاظمی الف و ب، ۱۳۹۱) و مناسک ازدواج و نخل‌گردانی جهت گرامیداشت این ارزش غالب اجرا می‌شوند. حلقه ارتباطی مادی این دو آیین، زیورهای است که به‌عنوان هدایای مشترک در هر دو آیین اعطا می‌شود و درحقیقت، حلقه ارتباط معنایی دو آیین نیز هست؛ بنابراین از طریق اهدای زیورها به نخل، مبادله معنایی که موس برای فرایند تبادل قائل است، رخ می‌دهد و مبادله جایگاهی که بین هدیه‌دهنده‌ای که زمانی در مراسم ازدواج با نقش عروس در مرکز توجه اجتماع آیینی بوده است با نخلی که در مراسم محرم در مرکز توجه اجتماع آیینی است، صورت می‌گیرد (به نقل از لچت، ۱۳۷۷ [۱۹۹۴]). وجود و نمایش این هدایای زنانه لازمه برگزاری هر دو آیین است. در نتیجه می‌توان در تأیید دیدگاه لوی استروس (۱۹۶۹) این هدایا را مبنای شکل‌گیری نظام‌های بنیادین خانواده و خویشاوندی در قالب مراسم ازدواج و جامعه محلی در قالب آیین نخل‌گردانی دانست. ازسوی دیگر، مردان هستند که در قالب مسئولیت‌های موروثی بابای نخل، نخل‌نشین، و پایه‌دار، امکان حرکت و کنش نخل را فراهم می‌کنند. کنش آیینی نخل که بسترهای دیگری برای تبادل هدایا فراهم می‌کند، منوط به مشارکت هر دو جنسیت در نخل‌گردانی است؛ اما همان‌گونه که تراب (۲۰۱۷) در پژوهش خود بر نقش نادیده‌گرفته‌شده زنان در آیین‌های محرم تأکید می‌کند، چون حضور مردان در مرحله نمایشی‌تر آیین پررنگ‌تر است، نخل‌گردانی ایبانه نیز اغلب آیینی مردانه تلقی می‌شود. اما درحقیقت هدیه اعطاشده هم در نمایش جمع‌اش بر نخل و هم در الزامی که برای نمایش آن در فرایند یک اجرای مناسکی وجود دارد، موجب وحدت جمع‌ی می‌شود و علاوه‌براین، فرایند ایجاد اجتماع را از طریق مشارکت هر دو جنس برای تداوم تبار و جامعه ضروری می‌گذارد؛ چنان‌که در ازدواج نیز مشارکت هر دو جنس برای تداوم تبار و جامعه ضروری است و تبادل هدایا بخشی الزامی و پیش‌برنده در این آیین است.

منابع

- آورزمانی، فریدون (۱۳۸۸). خراج یا پیشکش نوروزی؛ بررسی آیین نوروز در عصر ساسانی. منظر، ۵، ۶۴-۶۲.
- ابطحی، سیدعلیرضا و کریمی، نرگس (۱۳۹۵). جایگاه پیشکش‌ها در درآمدهای روزگار ناصری بر پایه اسناد ۱۳۱۳-۱۲۶۴ قمری. سخن تاریخ، ۱۰ (۲۳)، ۶۰-۳۳.
- احمدی، زهت و زارعیان چهارمی، زهرا (۱۳۹۰). پیشکش و نقش آن در روابط ایران با کمپانی‌های هند شرقی در دوران صفوی. مطالعات تاریخ فرهنگی، ۲ (۷)، ۲۵-۸۵.
- اشرفی خیرآبادی، حمید (۱۳۹۳). نقش خراج و هدیه در استمرار جشن‌های ایرانی در قرون نخستین اسلامی. مطالعات تاریخ فرهنگی، ۶ (۲۱)، ۴۵-۲۵.
- اصغریان، مرضیه (۱۳۹۹). مطالعه و تحلیل هدایای دربار صفوی و نقش دیپلماسی بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهرکرد.
- ایزدی یزدان‌آبادی، زهرا و قربانی، مجید (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی آیین‌های نوروز کرمان قبل و بعد از کرونا. فرهنگ مردم ایران، ۶۷، ۱۷۷-۱۹۸.
- بایگان، محمدرضا (۱۳۸۷). آیین‌های بهاری مردمان حاشیه رود قزل‌اوزن. فرهنگ مردم ایران، ۱۵، ۹۹-۱۱۷.
- بهمنی، سجاد و احمدی اوندی، ذوالفقار (۱۴۰۰). زوال فرهنگ گاگریو: تحلیل انسان‌شناختی دگردیسی عزاداری و سوگ در میان ایلات بختیاری و بهمئی. جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر، ۳ (۱)، ۱-۲۹.
- پشتدار، علی‌محمد و دهقان شیری، معصومه (۱۳۹۹). هدیه‌دادن و رسوم آن نزد ایرانیان با تکیه بر شاهنامه و تاریخ بیهقی. متن‌پژوهی ادبی، ۲۴ (۸۵)، ۲۰۴-۱۶۷.
- پیشدادفر، فرخنده (۱۳۸۷). مراسم عروسی در آبادی «درتوجان» هرمزگان. فرهنگ مردم ایران، ۱۵، ۱۵۱-۱۶۳.
- تسلیم چهارمی، فاطمه (۱۴۰۲). نخل ماتم فارس؛ تمثیلی از سوگواری بر امام حسین (ع) (نمونه مطالعه: شهرستان چهارم). پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۳ (۲۴): ۱۶۲-۱۴۵.
- جابری، شیما (۱۳۹۵). پژوهشی درباره اقوام خراج‌گزار و پیشکش‌ها در دوره هخامنشی (به استناد نقوش تخت جمشید). پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- دوپویی، فرانسیس (۱۳۸۵). انسان‌شناسی اقتصادی. ترجمه محدثه محب‌حسینی. تهران: علم.

دهقان، محمد (۱۴۰۰). نقش هدایا و پیشکشی در دیپلماسی دوره صفویه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور تهران.

رحمانی، جبار و فرحزادی، یاسمن (۱۳۹۴). سفره‌های نذری در تهران: عاملیت زنانه در جماعت آیینی. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۵(۲)، ۱۸۳-۲۰۰. doi: 10.22059/ijar.2015.59083

رحمانی قورتانی، محمود؛ محمدخانی، سعید و دهقان‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۲). درآمدی بر رشوه، پیشکش و انواع آن در عهد قاجار (با تکیه بر عهد ناصری). مجله تاریخ اسلام و ایران، ۲۳ (۱۷)، ۱۵۳-۱۲۷. doi: 10.22051/hii.2014.728

ریویر، کلود (۱۳۷۹). درآمدی بر انسان‌شناسی. ترجمه ناصر فکوهی. تهران: نی.

شایسته‌رخ، الهه (۱۳۹۳). آیین‌های شادی بخش بهاری در فرهنگ مردم. فرهنگ مردم ایران، ۳۶، ۱۲۸-۱۰۵.

شریعت‌زاده، سیدعلی اصغر (۱۳۷۱). فرهنگ مردم شاهرود. مؤلف.

شریعتی‌راد، محمدرضا؛ شریفی، غلامحسین و طغیانی، اسحاق (۱۳۹۸). تحلیل بازتاب بن‌مایه‌های گیاهی در آیین‌های مردمان کهگیلویه و بویراحمد. فرهنگ و ادبیات عامه، ۷(۲۹)، ۶۹-۹۱.

صابر، زهرا (۱۳۹۱). سبک ازدواج سنتی در اقلید فارس. فرهنگ مردم ایران، ۳۱، ۲۶۹-۲۸۰.

ظریفی‌نیا، محسن (۱۳۸۸). مردم‌نگاری مراسم عروسی در دزفول. فرهنگ مردم ایران، ۱۸ و ۱۹، ۸۹-۱۰۶.

قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۷). مردم‌شناسی سُوگ (پرس) در ایل کاکاوند. نامه انسان‌شناسی، ۱۵(۲۷)، ۱۲۵-۱۴۷.

قنبری، صدیقه (۱۳۹۴). خلعت و خلعت‌بخشی در شاهنامه فردوسی و تاریخ بیهقی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه زنجان.

کاظمی، سمیه (۱۳۹۱الف)، بررسی انسان‌شناختی هنرهای تزئینی در مناسک نخل‌گردانی محله هرده ایبانه، نامه انسان‌شناسی، ۱۶، ۱۱۶-۱۴۱.

کاظمی، سمیه (۱۳۹۱ب). بررسی انسان‌شناختی هنرهای تزئینی در مناسک نخل‌گردانی روستای ایبانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر اصفهان.

کاظمی زهرانی، فریناز (۱۳۹۹). تأثیرات هدایای سلطنتی از صفوی به دربار عثمانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء (س).

لچت، جان (۱۳۷۷). پنجاه متفکر بزرگ معاصر: از ساختارگرایی تا پسامدرنیته. ترجمه محسن حکیمی. تهران: خجسته.

- مرادخانی، صفیه و قبادی، پرستو (۱۳۹۰). آیین سوگواری در ایل کاکاوند. فرهنگ مردم ایران، ۲۶، ۹۳-۱۲۰.
- میری خسروشاهی، حمیده، و فریدآقائی، مریم (۱۳۹۳). بررسی مردم‌شناختی آیین قربانی سی و ششمین روز بهار در اسفنجان. فرهنگ مردم ایران، ۳۶، ۱۲۹-۱۴۴.
- ناصری، عبدالله (۱۳۵۸). فرهنگ مردم بلوچ. بی‌جا.
- نظری داشلی‌برون، لیلا؛ حاجی‌علی‌محمدی، هما؛ رهو، روشنگ و ترابزاده، عباس (۱۳۸۴). مردم‌شناسی روستای ایبانه. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- همایونی، صادق (۱۳۷۱). فرهنگ مردم سروستان. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
- Ashraf, A. (2016). The politics of gift exchange in Early Qajar Iran, 1785–1834. *Comparative Studies in Society and History*, 58 (2), 550-576
- Bar-Lev, S., & Morag, M. (2023). Can't buy me love: Gift-giving among members of .criminal organizations. *Symbolic Interaction*, 46 (4), 393-416
- Benedict, R. (1961). *Patterns of Culture*. London: Routledge and Kegan Paul Betteridge,
- A. (1985). Gift exchange in Iran: The locus of self-identity in interaction. *Anthropological Quarterly*, 58(4), 182
- Chiu, Y. B., Wang, Z., & Ye, X. (2023). Household gift-giving consumption and subjective well-being: evidence from rural China. *Review of Economics of the Household*, 21 (4), 1453-1472
- .Geertz, C. (1973). *The Interpretation of Cultures*. New York: Basic Books
- Gill, A., & Thomas, M. D. (2023). The dynamic efficiency of gifting. *Journal of Institutional Economics*, 19 (1), 70-85
- .Levi-Strauss, C. (1969). *The Elementary Structural of Kinship*. Boston: Beacon
- Malinowski, B. (1960). *A Scientific Theory of Culture and Other Essays*. New York: Oxford University Press
- Mauss, M. (1967). *The Gift: Forms and Functions of Exchange in Archaic Societies*. 1925. Trans. Ian Cunnison. New York: Norton
- L. (1980). "Reciprocity and the construction of reality", *Man*, 15 (3), .Schieffelin, E 502-517

- Sherry, J. F. (1983). "Gift giving in anthropological perspective", *The Journal of Consumer Research*, 10(2), 157-168
- Siagian, R. J. (2024). The symbolic meaning of traditional woven fabric Ulos as a spiritual expression in Batak Toba rituals. *International Journal of Religion*, 5 (5), 200-209
- Stauss, B. (2023a). Cash gifts and vouchers: When are they taboo and when are they welcome? In *Psychology of Gift-Giving* (pp. 125-135). Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg
- Stauss, B. (2023b). *Psychology of Gift-giving*. Springer
- Suar, A., Maulana, S., Zain, Z. P., Yunara, L., & Rozalinda, R. (2024). A gift to return: The tradition of wedding gifts wrapped in debt among the people of Kerinci an Islamic Perspective. *Jurnal Mediasas: Media Ilmu Syari'ah dan Ahwal Al-Syakhsyiyah*, 7 (1), 1-12
- Ter Keurs, P., de Jong, I. J. F., & Versluys, M. J. (2023). How to deal with 'things from outside': an anthropological perspective. *Reading Greek, Hellenistic and Roman spolia. Objects, appropriation and cultural change. Euhormos: Greco-Roman Studies in Anchoring Innovation*. Leiden: Brill
- Torab, A. (2017). Conditional gifts for the saints: "Gift" and "Commodity" as gender metaphors in shi'a ritual practices in Iran. *Women, Religion, and the Gift: An Abundance of Riches*. Ed. Morny Joy. 139-157. Springer
- Wagner, R. (1981). *The Invention of Culture*. Chicago and London: The University of Chicago Press.